

فصلنامه دانش انتظامی سمنان ، دوره یازدهم ، شماره چهل و یکم ، پاییز ۱۴۰۰

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۰/۰۷/۱۴

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۰/۰۸/۱۸

صفحات: ۱۴۰ - ۱۰۶

جستاری تطبیقی در واقع گرایی یا مصلحت گرایی در باب مجازات حدود

از دید علوم انسانی اسلامی با تاکید بر آموزه‌های جرم شناسی اسلامی

نویسندگان:

حدیثه ذوالفقاری^۱، حسین نوروزیان^۲، محمد حسین نصیری خلیلی^۳، سیدمحمدرضا

موسوی فرد^{۴*}

چکیده

بحث تعطیلی یا تعدیل حدود و یا اجرای کامل آن در دوران معاصر که دوران غیبت امام معصوم (ع) است، بحثی است که سالها مورد اختلاف فقها بوده است که هر کدام از آنها با مراجعه به روایات و آیات، سعی در اثبات نظرات خود داشته‌اند. در این سیاست جنایی حدود الهی به دو بخش قبل از اثبات و بعد از اثبات قابل تقسیم است. بدین نحو که مرتکب با مراجعه به صاحب حق می‌تواند از او درخواست کند از اجرای مجازات صرف نظر کند و با او مصالحه کند. نتیجه شناسایی اثر سلبی احکام کیفری صادره از محاکم خارجی و تضمینی بنیادین برای رعایت حقوق متهم و محکوم علیه و ابزاری کارآ جهت تعدیل رفتار حکومت‌ها در اعمال حاکمیت و مجازات است.

کلیدواژه‌ها:

اجرای حدود، تعطیلی حدود، تعدیل حدود، جرم شناسی اسلامی، دوران معاصر

۱: کارشناسی ارشد - hajian1444mahdi@gmail.com

۲: کارشناسی ارشد - norooziyan@gmail.com

۳: دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم شناسی واحد سمنان - m.h.nasiri.kh.p@gmail.com

۴: استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد سمنان - mousavifard137394@gmail.com

مقدمه

مقابله با جرم و جنایت و پیشگیری از آن از دیرباز مورد توجه حکومتها و ادیان مختلف بوده است. دین اسلام به عنوان کامل‌ترین دین و حکومت اسلامی به عنوان کامل‌ترین حکومت بر مبنای دین، از این قضیه مستثنا نیست. از زمان ظهور اسلام و پیامبری حضرت محمد (ص)، برای مبارزه با انواع جرائم و مجازات آنها، بحث حدود الهی مطرح شد و خداوند در قرآن کریم و وحی به وسیله‌ی پیامبر (ص) و پس از او به وسیله‌ی جانشینان معصومش، این حدود و مجازاتهای مربوط به آن را معرفی نموده است. هم چنین، اجرای این حدود و مجازاتها را از همان ابتدا، پیامبر (ص) و پس از او امامان معصوم (ع) بر عهده داشتند. پس از شهادت امامان معصوم (ع) و در نهایت غیبت آخرین امام معصوم (ع)، از آنجایی که طبق برخی روایات، اجرای حدود را مختص امام معصوم (ع) بیان کرده بود و از طرف دیگر، برخی روایات، آنرا قابل اجرا توسط حاکم شرعی می‌دانست، و از آنجایی که ترک این حدود در زمان غیبت امام معصوم (ع)، موجب افزایش جرم و جنایت در حکومت اسلامی می‌شد، بنابراین از همان زمان، اختلاف نظرهایی بر اینکه آیا در زمان غیبت امام معصوم (ع)، حدود الهی باید تعطیل شوند یا اجرا گردند، به وجود آمد و وفق این دو نوع روایت، یکی اجرا به دست فقط امام معصوم (ع) و دیگری اجرا توسط حاکم شرع، نظرات مختلفی در باب حدود مطرح گردید. گروهی که روایت اول را پذیرفتند قائل به این بودند که حدود الهی باید تنها به دست معصوم اجرا شود و اجرای حدود در زمان عدم حضور معصوم و به دست دیگری، دارای اشکال است و مجاز نیست. این گروه همچنین با عنایت به قواعدی مثل قاعده‌ی درأ، حدیث رفع، و سختی بحث حدود و اجرای آن، بر این عقیده هستند که اجرای حدود، تنها از معصوم برمی آید.

اما گروهی که روایت دوم را پذیرفتند، قائل به این بودند که حتی بدون حضور امام معصوم نیز، حاکم شرع می‌تواند تمام حدود را به شکل کامل اجرا نماید. آن‌ها با در نظر گرفتن بحث تعزیرات که بر عهده‌ی حاکم شرعی است، و با در نظر گرفتن روایت دوم که می‌فرماید که حاکم شرع منتصب از سوی امام معصوم (ع) می‌تواند حدود را اجرا نماید، بر این عقیده هستند که حدود نباید تعطیل شود و باید به طور کامل اجرا شود و عدم اجرای آن، عدم عمل به فرامین الهی است. در علم جرم شناسی، به خصوص جرم شناسی اسلامی،

که نظام جزایی اسلام را در همه‌ی ابعاد آن و در ارتباط با همه‌ی جوانب جامعه شناختی و زندگی اجتماعی مورد بررسی قرار می‌دهد، علت اصلی مجازات‌های تعیین شده برای جرم را بحث پیشگیری از جرم می‌داند و به نوعی حدود تعیین شده‌ی الهی را مانع از بروز جرم و جنایت در نظر می‌گیرد. بنابراین با در نظر گرفتن مبانی جرم شناسی اسلامی می‌توان به این نتیجه رسید که اجرای حدود لازمه‌ی برقراری نظم در حکومت اسلامی و جلوگیری از بروز جرائم است و از طرف دیگر حدود الهی بر تخفیف و مسامحه پایه گذاری شده است و شارع مقدس بر پایه‌ی اصلاح فرد و جامعه و حاکمیت خیر و فضایل اخلاقی در جامعه، کیفرهای حدی را وضع کرده است. (پیوندی، ۱۳۹۵، ص ۱۸). با این اوصاف باید راه دیگری را در بحث حدود و تعزیرات پیش گرفت. راه و مجازاتی که نه سختی حدود را داشته باشد، و نه اینکه قانون را ناکارآمد و سهل انگارانه جلوه دهد و راه را برای افزایش جرم و جنایت باز کند. اینجاست که با بررسی مبانی و رویکردهای جرم شناسی اسلامی، می‌توان به این نکته پی برد که در باب مجازات مجرم، همچون بحث نظام جزایی اسلام، که هدف اصلی آن، موضوع اصلی جرم شناسی اسلامی است، باید همه‌ی جوانب را مورد بررسی قرار داد و به نوعی نگاه بینابینی یا تعدیلی نسبت به اجرای حدود داشت. با توجه به مبانی جرم شناسی اسلامی، اجرای حدود امری اجتناب ناپذیر و به صلاح جامعه است، ولی از طرفی با در نظر گرفتن شرایط جهانی، و با دید جهان بینی این رویکرد، نیاز است تا از برخی رویه‌ها در اجرای حدود چشم پوشی نمود و از روش‌های مجازات جایگزین استفاده کرد. از طرف دیگر، از آنجایی که بحث حدود، بحثی بر اساس فقه است، باید با در نظر گرفتن مجازات‌هایی بر اساس فقه، و از طرفی دیگر، دارای وجهه‌ی مناسب از نظر بحث‌های حقوق بشری، مجازات‌ها را انتخاب و اجرا نمود. حال با توجه به مبانی ذکر شده، هدف اصلی تحقیق این است که در دوران معاصر با توجه به شرایط جهانی، رویکرد جرم شناسی اسلامی نسبت به بحث حدود و مجازات‌های اسلامی چیست و این مجازات‌ها و رویکردها چگونه می‌تواند جایگاهی در جامعه‌ی جهانی و بحث‌های حقوق بشری داشته باشد.

مفاهیم و مبانی نظری:

مفهوم مجازات: مجازات یا کیفر به معنای اینست که اگر کسی عمل خلاف اخلاق عمومی یا عرف و عادت آن جامعه یا خلاف قانون انجام دهد چون آن عمل بد است پس

باید عقوبت و پاداش آن عمل را ببیند یعنی تنبیه شود و یا مجازات شود تا هم خود و هم دیگران متنبه شوند و دیگر آن عمل را انجام ندهند یعنی باید مشقت آن عمل را بچشد و متوجه شود نتیجه آن عمل بد چیست. حال در قانون به ازای هر عمل بد و خلاف که قانونگذار بیان کرده چه امری بد و خلاف است تنبیهی هم بیان کرده که به آن تنبیه مجازات و به آن عمل بد جرم می گوئیم به طور ساده و عامیانه می گوئیم اعمالی که ممنوع است و کسی نباید آن را انجام دهد و برای جامعه خطر دارد و حتی برای از بین بردن آرامش مردم خطر دارد و فراتر از آن بیان می‌کنم برای مراودات اجتماعی مردم با مردم و مردم با جامعه و جامعه با مردم و دولت با مردم و مردم با دولت حتی روابط بین المللی خطر دارد و در روابط فرهنگی و اجتماعی و روابط اقتصادی و ... خطر دارد که نباید آن را انجام داد چنانچه هر کس آن عملی را که قانون گذار آن را خلاف می‌داند و بعنوان واژه جرم بیان کرد انجام مرتکب جرم شده و قانون گذار برای آن مجازات تعیین کرده و مقدار مجازاتش را همان قانون گذار پیش بینی کرده است که بدیهی‌ترین روش برای جلوگیری از آن عمل جرم و خلاف همین مجازات پیش بینی شده است.

مفهوم جرم: از منظر فعل یا ترک فعلی است که قانون برای آن مجازات تعیین کرده باشد یا جرم عملی است که قانون برای آن مجازات تعیین کرده است. جرم شدت و ضعف دارد و همه جرمها مجازاتشان مساوی نیستند. اساس این ماده تاسی از اصل ۳۶ قانون اساسی بوده که همان اصل قانونی بودن جرم و مجازات است که در تمام کشورها پذیرفته شده است حتی در قرآن هم یکی از منابع معرفی شده است: «لایکلف الله نفساً الا ما ایتها» خداوند بدون اینکه قانون و مقررات وضع کرده باشد کسی را تکلیف بر امری نمی‌کند.^۱

مفهوم حدود اسلامی: حد در لغت به معنای منع است و حدید هم از همین ریشه می‌باشد، زیرا سخت و ممتنع است. به دربان حداد گفته می‌شود، مجازات‌های مقدر شرعی را از آن لحاظ حد نامیده‌اند که مانع مردم از ارتکاب گناهان می‌شود. در فقه القرآن آمده است: «الحد فی اصل اللغه المنع و حد العاصی سمی به لأنه شیئی یمنعه عن المعاودة» حد در اصل لغت به معنای منع است و حد گناهکار به این اسم نامیده شده، بدان جهت که او را از بازگشت به گناه منع می‌کند. در شرح فتح القدیر چنین آمده است: «انها موانع قبل الفعل، زواجر بعده ای العلم بشرعیتهای یمنع الاقدام علی الفعل و ایقاعها بعده یمنع العود

۱. ر.ک به: سوره مبارکه طلاق آیه شریفه هفتم

الیه.» حدود قبل از وقوع فعل مجرمانه مانع ارتکاب آن می‌شوند و پس از وقوع برای جلوگیری از ارتکاب دیگران اجرا می‌شود. به بیان دیگر، اطلاع از قانونی شدن مجازات‌ها، انسان را از اقدام به فعل مجرمانه باز می‌دارد و اجرای مجازات مجرم، وی و دیگران را از تکرار جرم باز می‌دارد. در اصطلاح، حد به مجازاتی گفته می‌شود که نوع، میزان و کیفیت آن در شرع تعیین شده است. فقها گفته‌اند: «کل ماله عقوبه مقدره یسمی حداً» هر آنچه که دارای مجازات مقدر و معین شرعی است، حد نامیده می‌شود (شمس ناتری، ۱۳۷۸، ص ۱۷). بنابراین نظر علامه حلی، میزان مجازات‌های حدی به طور دقیق معین شده است که اکثر فقهای امامیه نیز از ایشان پیروی کرده‌اند این حدود عبارتند از: حد زنا؛ حدود محلق به زنا (لواط، مساحقه و قوادی)؛ حد قذف؛ حد مسکر؛ حد سرقت و حد محارب است.

مفهوم جرم شناسی اسلامی: دیدگاه‌های اسلامی که در بردارنده هر دو نگرش فرد گرایانه و جامعه گرایانه نسبت به امور گوناگون است در مباحث مربوط به جرم‌شناسی نیز وجود دارد و این دیدگاهها در رابطه با جرم و حساسیت نسبت به آن در جوامع اسلامی نسبت به سایر جوامع نیز دیده می‌شود. در این میان نگرش شدیدتر و توأم با سخت‌گیری نسبت به جرم در دین اسلام وجود دارد که ریشه در نظریات این دین مبین در رابطه با جرم و پی‌آمدهای سوء آن دارد، اسلام در بحث جرم‌شناسی خرد و جرم‌شناسی کلان راهکارهای بسیار مناسب را پیش رویمان می‌گشاید و برای آنها دستوراتی مناسب با همه اعصار صادر کرده است. در نظام حقوق کیفری اسلام، در جرائمی که هنجارها و مصالح مهم جامعه را هدف قرار می‌دهند، یعنی جرائم مستوجب حدود، قصاص و دیات، از توجه به شخصیت بزهکار چشم‌پوشی می‌شود و قاضی حق ندارد به مجازاتی جز کیفر معین حکم کند، مگر آنکه بزه‌دیده (مَجْنِيّ عَلَيْهِ) یا ولیّ او (در جرائم مستوجب قصاص و دیات) مجرم را عفو کنند، زیرا انگیزه‌ی قصاص و دیات، علاوه بر اجرای عدالت، تأمین حقوق بزه‌دیده هم هست و رضایت او موجب تخفیف یا نفی مجازات می‌شود. اما در جرائم مشمول تعزیر^۱، از آن‌رو که هدف اصلی، اصلاح و تربیت و بازپروری بزهکار است، قاضی اختیار دارد که از بین مجموعه مجازات‌ها، مجازاتی را انتخاب کند که با شخصیت و اوضاع بزهکار و وقوع جرم تناسب دارد. (عوده، ج ۱، ص ۶۱۱-۶۱۵) اسلام، برای تحقق جامعه‌ای سالم، فقط به اجرای مجازات اکتفا نکرده و به عوامل دیگر برای پیشگیری از وقوع جرم و مقابله با آن هم

۱. ر.ک. به: دانشنامه جهان اسلام، ذیل مدخل.

پرداخته است. برخی از تدابیر پیشگیری از جرم در اسلام عبارت‌اند از: تقویت و تشویق به گرایش به معنویات و تقوا و پرهیز از دنیا محوری، تأکید بر اعتقاد داشتن به اصولی چون توحید و معاد و واقعیت پاسخگویی در محضر خداوند، نکوهش رذایل اخلاقی و تکریم فضائل اخلاقی، تشریح عباداتی چون نماز و روزه، تشریح امر به معروف و نهی از منکر، توصیه به آسان‌گیری از دواج، تشویق به کار و فعالیت، جلوگیری از روش‌های غیر عادلانه‌ی کسب درآمد و تشویق به کارهایی چون انفاق و قرض الحسنه برای جبران فاصله‌ی طبقاتی میان فقرا و ثروتمندان، تأکید بر لزوم ایجاد فضای سالم اجتماعی، وضع قوانین تکافل اجتماعی، تحریم مسکرات، منع از حضور در مجالس گناه و بازگذاشتن راه توبه برای مجرمان است. (احمدی ابهری، ص ۱۴۱-۱۴۳؛ قیاسی و همکاران، ج ۱، ص ۳۲۵-۳۲۷) به نظر نگارنده این تقریر را می‌توان مفهوم متمایز از جرم‌شناسی و رویکردهای آن در جهان اسلام دانست.

مبانی نظری و پیشینه: یکی از وجه اصلی که برای تشریح حدود در اسلام آمده است از باب سختی مجازات همانا هدف اش نوعی پیشگیری در ارتکاب به چنین جرائمی است، پس به نظر از منظر علوم انسانی اسلامی پیشگیری از جرم در جرم‌شناسی اسلامی می‌تواند به نوعی یک مبنای تئوریک و کامل در جهت شرح و بسط موضوع فوق‌الذکر باشد. پیشگیری از جرم عبارت است از مجموعه‌ای از اقدام‌ها و تدابیری که از پایه و اساس از وقوع جرم جلوگیری می‌کند و با ریشه‌ها و علل به وجود آمدن جرم مبارزه می‌کند. پیشگیری کیفری و غیر کیفری، اجتناب‌ناپذیر است و آن چه در دنیای امروز رویکردی نو به چگونگی کنترل بزهکاری به حساب می‌آید، عبارت است از تمامی اقدامات فردی و عمومی به جز اعمال حقوق کیفری به منظور از میان بردن زمینه‌های مساعد جهت مرتکب شدن فعالیت‌هایی که جرم محسوب می‌شود. آموزه‌های اسلامی در پاک نگه داشتن محیط اجتماعی جهت کاهش تخلف و جرم نقش به‌سزایی داشته است. دین اسلام همچنین نسبت به پیشگیری و از بین بردن زمینه‌های جرم بسیار حساس بوده و همواره در آیات و روایات بر این امر مهم در جامعه اسلامی تأکید داشته است. اقدامات جامعه در مقابل بزهکاری از نظر بعضی از دانشمندان در مکتب اسلام به دو دسته تقسیم می‌شوند: اقداماتی که به منظور جلوگیری از جرائم بالقوه انجام می‌گیرد و اقداماتی که واکنش نسبت به اعمال ارتكابی در گذشته که مبنای تصمیم قاضی قرار می‌گیرد. یکی از مهم‌ترین سرمایه‌های

بشری، اخلاق و ارزش‌های اخلاقی، تربیت صحیح و تأدب به آداب نیک و پسندیده است که اهمیت والایی برای زندگی و پیشرفت و سعادت انسان دارد. اما متأسفانه از آن جا که بشر مطلقاً محسوسات و مادیات را قبل از امور معنوی می‌شناسد، به اهمیت و ارزش این مهم، کمتر توجه کرده و نقش و جایگاه آن را در زندگی به درستی مشخص نکرده است. (نجفی، ۱۳۹۸، ص ۱۸ و به بعد).

- سید مصطفی محقق داماد، در کتاب قواعد فقه؛ بخش جزایی، نظریه‌ی اقامه‌ی حدود را با توجه به نظریات موافقین و مخالفین اجرای حدود مورد بررسی و تحلیل قرار داده است و در ادامه، هر کدام از نظریات را که ریشه‌ی فقهی دارند مورد نقد و بررسی قرار داده است و نکته‌ای که می‌توان از آن برداشت کرد، این است که به نظر نویسنده، هر دو نظر می‌تواند درست باشد و در صورت مجوز برای اجرای حدود، باید طبق شرایط جامعه و مصالح و در نظر گرفتن سختی حدود، باید به شکلی آنرا تعدیل نمود و یا به تعزیر تبدیل کرد.

- سیدمحمدرضا موسوی فرد، در کتاب جرم شناسی اسلامی، سال ۱۳۹۷، به طور کامل در مورد مبحث جرم شناسی اسلامی و تعریف دقیق آن و مبانی آن سخن گفته است و از پیشگیری از جرم و علت شناسی جرم و مجازات، سخن به میان آورده است.

- حمید مسجدرایی و سهیل کبیری، در کتابی با عنوان حدود اختیارات حاکم در حقوق کیفری اسلام، سال ۱۳۹۴، به بررسی حدود اختیارات حاکم در بحث حدود اسلامی و تعزیرات، و جایگاه حاکم در بحث اجرای حدود در زمان غیبت پرداخته‌اند.

- بهزاد رضوی فرد، در پایان نامه‌ی کارشناسی ارشد دانشگاه امام صادق (ع)، با موضوع اقامه‌ی حدود در عصر غیبت، سال ۱۳۷۷، موضوع بررسی دو نظریه‌ی تعطیل و اجرای حدود را مورد بررسی قرار داده و تأکید آن بر علت اجرای حدود یا تعطیلی آن و نظرات فقهای امامیه، بر حسب شرایط مختلف است. به عبارت دیگر، شرایط مختلف اجتماعی و حاکمیت را مورد بررسی قرار داده تا اقامه‌ی حدود را مورد بحث قرار دهد. هم چنین تلاش دارد تا با دلایلی از نظر سیاسی و شرایط موقعیتی جامعه، اجرای حدود و مجازات‌ها را با قابلیت تخفیف یا تبدیل نشان دهد. با این وجود، تحقیق حاضر علاوه بر

توضیح و تفسیر اجمالی این نظریات، سعی دارد حدود را از لحاظ جرم‌شناسی و مبانی آن مورد بررسی قرار دهد.

- حمید مسجد سرایی در مقاله‌ای با عنوان **اجرای حدود در عصر غیبت**، مجله‌ی مطالعات اسلامی: فقه و اصول، بهار و تابستان ۱۳۸۸، در ارتباط با منابع روایی و فقهی اجرا یا تعطیلی حدود و نظرات مخالفین و موافقین و نقل هر کدام سخن گفته است. اما در مورد مباحث جرم‌شناسی مثل علت جرم‌شناسانه‌ی وجود و اجرای حدود در عصر معاصر سخنی به میان نیامده یا موضوع، ارتباط خاصی با موضوع جرم‌شناسی ندارد. البته در این مقاله سعی شده است تا علل وجود حدود و اجرای آن و یا وجود تعزیرات عنوان شود. با این وجود، این تحقیق، به دنبال بررسی کاملاً جرم‌شناسانه‌ی بحث حدود به معنای خاص و تعزیرات، علت وجوب اجرا یا تعطیلی آن و بحث‌های مخصوص جرم‌شناسی مثل پیشگیری و ... و ارتباط آن با فقه و مبانی اسلامی است.

مواد و روش اهداف:

هدف اول: بررسی رویکرد جرم‌شناسی اسلامی با توجه به نظام حقوق بین‌المللی و جامعه‌ی جهانی نسبت به تعدیل یا تعطیلی حدود اسلامی در دوران معاصر: به این منظور، نظر جامعه‌ی جهانی و نکات اختلافی و بحث برانگیز نسبت به حدود اسلامی که مورد حمله‌های حقوق بشری قرار گرفته در ابتدا مورد بحث و بررسی قرار گرفته و سپس با توجه به بررسی‌های فقهی، حقوقی و جرم‌شناسی در جامعه‌ی اسلامی، رویکرد جرم‌شناسی اسلام را نسبت به تعدیل یا تعطیلی حدود مورد بررسی قرار می‌گیرد. **هدف دوم:** بررسی مبانی فقهی مرتبط با حدود و جرم‌شناسی اسلامی در بحث تعدیل یا تعطیلی حدود: به این منظور، با بررسی متون فقهی حدود و بررسی تطبیقی با مباحث حقوقی و جرم‌شناسی اسلامی، رویکردهای احتمالی تعدیل یا تعطیلی حدود اسلامی از منظر جرم‌شناسی اسلامی مورد بررسی قرار می‌گیرد.

یافته های تحقیقاتی

تأملی بر حدود در نظام اسلامی و دیدگاه‌های پیرامون آن

فلسفه حدود: در حقوق کیفری اسلام، هر یک از مجازات‌ها فلسفه‌ای دارند که توجه به آن می‌تواند شرط اصلی تحلیل و ارزیابی منطقی در این زمینه باشد: دیدگاه اسلام مبتنی بر جهان بینی توحیدی است^۱، یعنی اینکه جهان از یک مشیت حکیمانه پدید آمده و نظام هستی بر اساس خیر، جود، رحمت و رساندن موجودات و کمالات شایسته آنها استوار است در جهان بینی توحیدی، جهان از «انالله» شروع شده و به «انا الیه راجعون» ختم می‌گردد.

- انسان در اسلام از مقام والایی برخوردار است.

- خداوند همه وسایل تکامل را برای بشر تدارک دیده، با اعزام پیامبران او را به راه راست هدایت کرده است، لذا با پیش بینی احکام، زمینه ارتکاب جرم و گناه را در جامعه کاهش داده در مواردی از بین برده است.

- اسلام اصراری بر کشف جرم ندارد، بلکه به پوشانیدن آن توصیه می‌نماید.

- در صورت آشکار شدن جرم، اگر حقی از کسی ضایع شده باشد، حکم به جبران آن می‌شود. البته در این زمینه توصیه به عفو و گذشت نیز شده است. اگر جرم تنها جنبه حق الهی داشته باشد، امام و حاکم اسلامی در فرض مصلحت می‌تواند بزهکار را عفو نمایند.

- بهترین سازوکار «اصلاح»، «بازپروری» و «بازگشت» مجدد مجرم به اجتماع می‌باشد. (به نقل از منابع پیشین).

۱. حدود در مقایسه با دیگر مجازات‌های شرعی مانند قصاص و تعزیرات دارای ویژگی‌هایی است از جمله:

- قابل مصالحه و عوض گرفتن نیست.

- قابلیت عفو ندارد.

- شفاعت در آن نیست (به جز قذف).

- اجرای آن به امام معصوم یا جانشین وی اختصاص دارد.

- به جز سرقت و قذف، اجرای حدود متوقف بر تنظیم شکوائیه و اقامه دعوا نیست.

- حدود مربوط به حق‌الله هستند به جز قذف و سرقت. نوع، مقدار و کیفیت اجرای حدود در شرع مشخص شده است. این جهت، بیشتر فقهای امامی قصاص را یکی از حدود ندانسته‌اند

ویژگی‌های حدود و اهمیت اجرای آن: اساس مطالب پیشین مهمترین ویژگی

حدود الهی عبارتند از:

- حدود کیفرهای تعبدی هستند، نص صریح از کتاب و سنت بر آن دلالت دارد؛
- میزان و کیفیت آنها در شرع مشخص شده، قانونگذار عادی حق تصرف در آن را ندارد؛
- اصل در حدود احصایی بودن آن است، در موارد مشکوک مجازات غیر حدی اعمال می‌شود؛
- ثبوت حد، تابع صدق عنوان است، شخصیت و موقعیت افراد در آن دخالتی ندارد؛
- فلسفه اجرای حدود جلوگیری از تکرار جرم و دفاع از مصالح بنیادین جامعه است؛
- واسطه و شفاعت در حدود ممنوع است (مصباح یزدی، ۱۳۷۷، ص ۱۹). از آنجا که جرائم مستوجب حد، تجاوز و تعدی به ارکان بنیادین جامعه به حساب می‌آیند و هر کدام با هتک مصالح اساسی به پیکره جامعه لطمه وارد می‌سازند، اقامه حد بر مرتکبین این جرائم مورد اهتمام شارع مقدس قرار گرفته است که در روایات متعددی هم بر اهمیت اجرای آن تأکید شده است.

مجری کیفرهای حدی و ویژگی‌های قدسی: فقیهان در باره روایاتی که شرط اجرای

حد را نبودن حدی بر عهده مجری آن برمی‌شمارند، هم‌داستان نیستند. فقیهان متقدم اساساً بر اساس این روایات فتوا نداده‌اند. در میان متأخرین، عده‌ای معتقدند برای کسی که خود حدی به عهده دارد، حرام است متصدی اجرای حد شود (موسوی خویی، ۱۴۲۸ ه ق: ۲۷۰؛ فاضل موحدی لنکرانی، ۱۴۲۲ ه ق: ص ۲۴۳). البته بیشتر فقیهان اجرای حد توسط چنین فردی را مکروه می‌دانند (تبریزی، ۱۴۲۹ ه ق: ج ۲، ۱۳۸-۱۳۷؛ محقق حلی، ۱۴۰۸ ه ق: ج ۴، ص ۱۴۴؛ عاملی، ۱۴۱۳ ه ق: ج ۱۴، ص ۳۲۷). درباره این روایات توجه به چند نکته ضروری است: نخست اینکه فقیهان متقدم از این روایات اعراض کرده‌اند. این امر به نوبه خود از اعتبار این روایات می‌کاهد. دوم اینکه این روایات به نوعی از اختصاص اجرای حدود به معصوم خبر می‌دهند. اگر شرط اجرای کیفرهای حدی این باشد که مجری حد، خود مرتکب جرم حدی نشده باشد، به طریق اولی دیگر مقامات نظام عدالت کیفری از

جمله مقام تعقیب و تحقیق و دادرس پرونده و حتی حاکمی که نظام عدالت کیفری زیر نظر او عمل می‌کند نیز باید چنین باشند و این چیزی شبیه به اعتبار شرط عصمت است (نوبهار، ۱۳۹۲: ص ۲۴۵). سوّم اینکه لازمه عملی و اجرایی این روایات این است که نظام قضایی جداگانه‌ای برای رسیدگی به جرائم حدّی تأسیس گردد و صلاحیت دادگاه‌ها و دادرسان و مجریان بر اساس حدّی یا تعزیری بودن جرم تعیین شود (نوبهار، پیشین: ص ۲۴۶). چهارم اینکه جرائم مستوجب حد تنها نقض فرمان الهی نیستند، بلکه هم‌زمان مصداق تعرّض به حقوق فرد یا اجتماع نیز می‌باشند. اینکه شرایط اجرای چنین جرایمی پیچیده شود، ممکن است در عمل زمینه را برای دور زدن این جرائم توسط مجرمین حرفه‌ای فراهم آورد و باعث افزایش ارتکاب جرم شود (نوبهار، پیشین: ص ۲۴۶). پنجم اینکه از این نکته که جرائم مستوجب حد نقض فرمان خداوند هستند، نمی‌توان نتیجه گرفت که راه‌های مقابله با آنها دارای تقدّس است؛ بلکه تقدّس و حرمت مربوط به ارزشی است که با ارتکاب جرم مورد تعرّض قرار گرفته است. اگر به این دلیل کیفرهای حدّی را مقدّس بدانیم، باید برای بسیاری از کیفرهای تعزیری، به خصوص آنها که در متون دینی آمده‌اند، نیز تقدّس قائل باشیم؛ چراکه آنها نیز بر جرایمی بار می‌شوند که مصداق نقض اراده خداوند هستند (پیشین، ص ۲۴۷).

ششم اینکه احتمال دارد این روایات در مقام بیان نکته‌ای غیر از آنچه فقیهان به آن پرداخته‌اند، باشند. چه بسا امام (ع) در مقام بیان این نکته بوده باشند که شرط به دست گرفتن امور قضاوت و اجراء، و ورای آن، به عهده گرفتن حاکمیت جامعه اسلامی، مبرا بودن و پاکیزگی حاکمان و مدیران جامعه از جرائم و معاصی است. به عبارت دیگر تنها کسانی شایسته حکومت، قضاوت و اجرای قوانین الهی در جامعه هستند که خود پیش از همه به آن قوانین تن داده و در عمل پاک و منزه باشند. به تعبیری لازمه قرار گرفتن بر کرسی قضاوت و اجرای مجازات، مبرا بودن از جرائم و گناهان است. به نظر می‌رسد این دست روایات به طور ضمنی بر حقّ اهل بیت (ع) بر حاکمیت اشاره دارند. یعنی اقامه حدود به عنوان یکی از شئون حکومت باید به دست افراد معصوم باشد. در عیون اخبار الرضا آمده است که میان مردی صوفی که سرقت نموده با مأمون گفتگوهایی در می‌گیرد. در این گفتگوها مرد صوفی که برای مأمون حقّ حکومت و اجرای کیفر قائل نیست، به او که قصد قطع دست وی به خاطر سرقت را دارد، می‌گوید: «در آغاز، خودت را پاک ساز؛ آن‌گاه

دیگری را تطهیر کن. حدّ الهی را بر خویش جاری کن، آن‌گاه بر دیگری اجراء کن.» در جای دیگری باز این مرد صوفی به مأمون می‌گوید: «فرد پلید نمی‌تواند پلیدی چون خویش را پاک کند؛ تنها و تنها انسان پاک، پلید را پاک می‌کند و هر کس که حدّی بر عهده دارد، حدود را بر دیگری اجراء نمی‌سازد مگر پس از آن که با خویش آغاز کند. آیا نشنیده‌ای که خداوند متعال می‌فرماید: آیا مردم را به نیکی دعوت می‌کنید اما خودتان را فراموش می‌نمایید؛ با اینکه شما کتاب آسمانی را می‌خوانید؟ آیا نمی‌اندیشید؟» (صدوق، ۱۳۷۸ ه ق: ج ۲، ۲۳۸-۲۳۷). این گفت‌وگوها که در حضور امام رضا (ع) انجام شده و به نوعی توسط ایشان تقریر شده، خود تأییدی است بر اینکه این روایات بیش از هر نکته‌ای، در مقام بیان این مطلب هستند که حقّ حکومت از آن‌امان معصوم است و دیگرانی که خود آلوده به گناهان و جرائم هستند، شایسته حکومت نیستند. ممکن است اعراض متقدمین از این روایات از آن رو باشد که آنان نیز روایات را در مقام بیان چنین نکاتی می‌دانسته‌اند. البته چنین برداشتهایی از روایات در آثار برخی فقیهان معاصر نیز دیده شده است (نک: موسوی گلپایگانی، ۱۴۱۲ ه ق: ج ۳، ص ۲۱). هفتم اینکه همه این روایات مربوط به دوران حکومت امیرالمؤمنین (ع) هستند. اگر چنین حکمی حقیقتاً وجود می‌داشت، چرا نه در دوره پیامبر خدا (ص) و نه در دوران خلفای پیش از امیرالمؤمنین (ع) اثری از آن، در میان نیست (خوانساری، ۱۴۰۵ ه ق: ج ۷، ص ۵۴). هشتم اینکه البته برخی از فقیهان معاصر، کراهت اجرای حد توسط کسی که مرتکب جرم حدّی شده را شامل تعزیرات نیز می‌دانند (منتظری نجف آبادی، بی‌تا: ص ۱۱۴).

تأملی در حد و تعزیر در قلمرو زمان و مکان:

از نظر تاریخی قدیمی‌ترین مقرراتی که با پیدایش زندگی اجتماعی بشر به وجود آمده و همگام با پیشرفت علمی، فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی به رشد و توسعه خود ادامه داده، مقررات کیفری است. امروزه این واقعیت را کم و بیش همگان پذیرفته‌اند زندگی اجتماعی در صورتی مطلوب است که نظم بر آن حاکم باشد. از این منظر هر جامعه‌ای برای تنظیم روابط اجتماعی خود به قانون از جمله مقررات جزایی نیازمند است. تأثیر زمان و مکان بر ابعاد گوناگون زندگی انسان بر کسی پوشیده نیست. آنچه موجب تأسف می‌گردد، مظلومیت احکام اسلام به ویژه حقوق کیفری آن است. در طول تاریخ به جز عصر رسالت و دوران کوتاهی پس از آن، در هیچ زمانی قوانین جزایی اسلام به درستی اجرا نشده است. به این

ترتیب، از یک سو به دلیل عدم ابتلای جامعه به چنین بحث‌هایی و از سوی دیگر تبلیغات بدخواهان در راستای خشن جلوه دادن مقررات کیفری اسلام، فقیهان مسلمان چندان در این عرصه مجال تحقیق و تتبع در این زمینه را پیدا ننموده‌اند، لذا به تدریج دامنه بحث مسائل کیفری اسلام محدود گشته و به تحلیل رفته است. با پیروزی انقلاب اسلامی در ایران و تجدید حیات احکام اسلامی، قوانین کیفری آن نیز در جامعه مطرح گردید. طبیعتاً پرسش‌های زیادی در این زمینه فراروی حقوقدانان و فقیهان قرار گرفت. آنچه از لحاظ عینی و نظری جلب توجه بیشتر می‌نماید، سؤال از تأثیر زمان و مکان در قوانین جزایی اسلام است که آیا قوانین جزایی اسلام با مقتضیات زمان و مکان مطابقت دارد یا نه؟ آیا زمان و مکان در تعطیل، کم و زیاد شدن حدود نقش دارند؟ نقش زمان و مکان در اجرای تعزیرات چگونه است؟ آیا زمان و مکان در تبدیل کیفر یا نحوه اجرای آن در چارچوب مقررات شرعی تأثیر دارد یا خیر؟ (پیشین)

تفاوت مفهوم عدم اجرای حد با تعطیلی حد: عدم اجرای حد در صورتی مصداق تعطیل حد است که متضمن نوعی اهمال و سستی در اجرای مجازات بوده باشد و مایه تجری بزه‌کاران حرفه‌ای و حتی بزه‌کاران بالقوه گردد. در نقطه مقابل «ادله‌ای که از تعطیل حد منع می‌کنند، بر فرض که ناظر به حدود اصطلاحی باشند، عدم اجرای حد به استناد مصلحتی معقول و پذیرفتنی را شامل نمی‌شوند» (نوبهار، ۱۳۸۹: ص ۱۷۰). بر این اساس «به کار بستن مصلحت‌سنجی‌های حکیمانه و خیرخواهانه برای کارآمد ساختن مجازات‌ها در راستای اهدافی که برای آن تشریح شده‌اند، مصداق تعطیل حد نیست» (نوبهار، پیشین: ص ۲۹۷). در موارد سقوط کیفر با توبه، یا عفو حاکم یا شبهه، حد به علت وجود مصلحتی اجراء نشده است؛ اما مورد، از مصادیق تعطیل حد نمی‌باشد. عدم اجرای حد در سرزمین دشمن نیز چنین است (طباطبایی بروجردی، پیشین: ج ۳۰، ص ۵۸۰، ح ۲). جمیل پسر دراج می‌گوید: از امام باقر یا امام صادق (ع) درباره مردی پرسیدم که سرقت، شرب خمر یا زنا کرده و کسی از این کار وی با خبر نشده و دستگیر نشده است، تا این که توبه کرده و صالح شده است. امام (ع) فرمود: «اگر صالح شود و حالت نیکویی از او دانسته شود، حدّ بر او جاری نمی‌شود». محمد بن ابی‌عمیر گوید: اگر آن کار در زمان نزدیکی بوده، باز حد در حقّ وی جاری نمی‌شود؟ حضرت فرمود: «اگر پنج ماه یا کمتر از پنج ماه بوده و حالت خوبی از وی آشکار شده باشد، حدود بر وی جاری نمی‌شود» (طباطبایی بروجردی، پیشین:

ج ۳۰، ص ۵۵۲، ح ۶). نمی توان گفت سقوط حد در این روایت، مصداق تعطیل حد است. عدم اجرای حد به علت رعایت مصالحی از این دست مصداق تعطیل حد نخواهد بود.

دیدگاه‌ها پیرامون تعطیلی حدود^۱: واژه «تعطیل» مصدر باب تفعیل از ماده «ع ط

ل» است. عرب به کمائی که زه ندارد «قوس عطل» می گوید. اسبان بدون مهار و لگام و مردان بدون سلاح را «أعطال» می نامند. برای رهاکردن شتر، بدون ساربان از تعبیر «عَطَلْتُ الإبل» استفاده می شود (ازهری، ۱۴۲۱ هـ ق: ج ۲، ص ۹۸). واژه «تعطیل» برای هر آنچه که به نیت از بین رفتن و بی استفاده بودن، بی محافظ و نگهدارنده رها شود نیز به کار می رود (ابن عباد، ۱۴۱۴ هـ ق: ج ۱، ۴۰۲؛ ابن فارس، ۱۴۰۴ هـ ق: ج ۴، ص ۳۵۲). ماده «ع ط ل» برای ترک عملی که لازم است انجام شود هم به کار می رود. البته عمل در موضوعات و موارد مختلف، فرق می کند. بنابراین، هر موردی که اقتضای عمل به آن وجود دارد، اما در آن کوتاهی می شود، «عاطل» به شمار می آید (مصطفوی، ۱۴۰۲ هـ ق: ج ۸، ص ۱۷۰). قرآن کریم به «تعطیل حد» تصریح ننموده، اما پس از بیان مجازات زنا، مؤمنان را از چنان رأفتی که باعث عدم اجرای حد گردد، نهی نموده است (نور: ۲). گونه‌هایی از رأفت‌ورزی بر بزه‌کار می تواند باعث تعطیل حد گردد. در شماری از روایات، «تعطیل حد» نکوهش و از آن نهی شده است. همزمان در روایاتی دیگر «ابطال» و «تضییع» حد نیز ناپسند شمرده شده است. تلقی فقیهان از تعطیل حد، «ترک اقامه حدود با داشتن قدرت بر آن و فراهم بودن شرایط» می باشد (موسسه دائره المعارف فقه اسلامی، ۱۳۹۰: ج ۲، ص ۵۳۵). فقیهان تأکید دارند که «تعطیل حدود شرعی جایز نیست و اجرای آن با داشتن قدرت و وجود شرایط، واجب است» (موسسه دائره المعارف فقه اسلامی، پیشین: ج ۲، ص ۵۳۵). از امیرالمؤمنین (ع) نقل شده است که ایشان پس از اثبات جرم زنا، محصنه، خطاب به خداوند متعال گفته است: «تو به پیامبرت (ص) در آنچه از دینت خبر داده‌ای، فرمودی: ای محمد، هر کس که حدی از حدود مرا تعطیل کند، با من دشمنی کرده و با این کارش مخالفت و ستیز با من را خواسته است. من حدود تو را تعطیل نخواهم کرد و خواستار ستیز با تو و تضییع‌کننده احکام تو نیستم، بلکه من مطیع تو و پیرو سنت پیامبرت (ص) هستم»

^۱ ارجاع به منبع اصلی جهت مشاهده اصل مطلب توجه کنید به: نوربهار، خدایار، حسین و رحیم (۱۳۹۷)؛ بازخوانی تحلیلی - انتقادی مفهوم اقامه حد و تعطیل حد؛ فصلنامه پژوهش‌های حقوق کیفری، دوره هفتم، شماره بیست و پنجم، زمستان.

(طباطبایی بروجردی، ۱۴۲۹ هـ ق: ج ۳۰، ۴۹۸، ح ۸). گذشته از ابهام‌ها و اشکال‌های سندی و دلالی متعدد این روایت (نک: نوبهار، پیشین: صص ۱۳۵-۱۳۴)، فقیهان عمدتاً به این بخش از روایت برای پرهیز از تعطیل حدود استناد کرده‌اند. همچنین از امیرالمؤمنین (ع) نقل شده است که «حدود را در مورد نزدیکان اجراء کن تا افراد دور از آن پرهیز کنند. خون‌ها را هدر مده و حدود را تعطیل مکن» (طباطبایی بروجردی، پیشین: ج ۳۰، صص ۵۰۶، ح ۱۵) بنابر فقه شیعه اجرای حدود از اختیارات امام معصوم (ع) است و در این‌که این مسئولیت در زمان نبودن امام بر عهده چه کسی است اختلاف نظر وجود دارد. درباره اجرای حدود در غیبت امام معصوم چهار نظریه وجود دارد:

- فقیهانی مانند شیخ طوسی، ابن ادریس، سید احمد خوانساری اجرای حدود را از اختیارات اختصاصی معصوم دانسته و اجرای آن در زمان غیبت را به هیچ وجه جایز نمی‌دانند. علامه حلی نیز در کتاب شرایع الاسلام نظری مشابه دارد هر چند در کتاب‌های دیگرش فقیه جامع‌الشرايط را در این زمینه دارای صلاحیت می‌داند. (به نقل از: شیخ طوسی، بی تا، صص ۳۰۰-۳۰۱، ابن ادریس، ۱۴۱۴ ق، ص ۲۴، خوانساری، ۱۳۶۴ ش، ص ۴۱۱، علامه حلی، ۱۳۶۸، ص ۱۱۴)

- گروه دیگر اجرای حدود در عصر غیبت را به طور مطلق و بدون هیچ قید و شرطی توسط فقیه جامع‌الشرايط جایز می‌دانند حتی اگر وقوع جرم با علم قاضی ثابت شده باشد. برخی از صاحبان این نظریه عبارتند از: شیخ مفید سید ابوالقاسم خوئی، شهید اول، امام خمینی، ابن فهد حلی، و... نیز پس از بررسی مساله از دیدگاه فقیهان مختلف، این نظریه را انتخاب کرده و ادعا کرده که توافق و اجماع عالمان شیعه نیز همین سخن است. (به نقل از: شیخ مفید، ۱۴۱۰ ق، ص ۸۱۰، خوئی، بی تا، ج ۱، ص ۲۷۳، شهید الاول، ۱۴۱۷ ق، ج ۲، ص ۴۷، امام خمینی، ۱۳۷۹ ش، ج ۱، صص ۴۸۲-۴۸۳، ابن فهد حلی، ۱۴۰۷ ق، ج ۲، ص ۳۲۸)

- عده‌ای دیگر مانند میرزای قمی اجرای حدود در زمان غیبت را جایز نمی‌دانند و معتقدند که باید تعزیر جایگزین آن شود. (میرزای قمی، ۱۳۷۱، ج ۱، ص ۳۹۵)

- برخی مانند یوسف صانعی، اجرای حدود در زمان غیبت را جایز می‌دانند مشروط بر آن‌که جرم از راه‌های خاص شرعی محرز شود. (صانعی، ۱۳۸۸ ش، ج ۱، صص ۹۲-۹۴)

تفسیر روایات نهی از تعطیل حد به نفی دیدگاه‌های الغاگرایانه:

روایات دربردارندهٔ نهی از تعطیل حد، در یک سطح، با اندیشه‌های مربوط به عدم استفاده از کیفر برای مقابله با جرم منافات دارند. از این جنبه، نهی از تعطیل حد یعنی نفی هر چیزی که ابزارهای کیفری را از دسترس حاکمیت اسلامی برای مدیریت و کنترل جرم خارج نماید. ممنوعیت تعطیل حد، اجازهٔ حذف نهاد مجازات، به عنوان یکی از ابزارهای واکنش به ناهنجاری‌های اجتماعی را نمی‌دهد. در نقطهٔ مقابل، آنارشیسم که تبلور اندیشه‌های الغاگرایانه است، معتقد به حذف نهاد مجازات در واکنش به جرم می‌باشد. الغاگرایان منکر ظرفیت و توانایی حقوق جزا برای کنترل جرم و سودمندی مجازات هستند. به نظر آنها نمی‌توان درد و رنجی را با اعمال درد و رنجی دیگر توسط دولت جبران کرد. از نگاه طرفداران این نظریه، رویکرد عدالت کیفری باید جای خود را به هدف و مبنایی‌عاری از هرگونه اعمال صدمه و رنج بدهد. نظریهٔ بازدارندگی مجازات به دلیل اینکه به مجازات مشروعیتی دروغین می‌دهد، توسط الغاگرایان مورد انتقاد واقع شده است. آنارشیسم یکی از رویکردهای نظری افراطی ناظر به حذف مداخلهٔ دولت از طریق مجازات، در قلمرو اجتماع و جایگزینی خودانضباطی اجتماعی با استفاده از قدرت تنظیم خودکار رفتار اجتماعی توسط شهروندان می‌باشد. بنابراین، اندیشه‌هایی مانند الغاگرایی به خاطر تنافی با ممنوعیت تعطیل حد، از نگاه فقه کیفری اسلام مقبول و معتبر نخواهند بود. به هر روی اگر بپذیریم که روایات نهی از تعطیل حد بیشتر بر اصل اجرای کیفر تأکید دارند، نمی‌توان این روایات را ناظر به تأکیدی خاص بر اجراء و پیگیری حدود اصطلاحی دانست.

تفسیر اجزاء نظام عدالت کیفری در پرتو مفهوم نهی از تعطیلی حد^۱:

تعطیل حد، تنها رویکردهای نافی کیفر را رد نمی‌کند؛ هر آنچه در دل نظام عدالت کیفری باعث از دسترس خارج شدن کیفر گردد نیز با نهی از تعطیل حد، مردود است. بر این اساس نمی‌توان از اجزاء مختلف نظام عدالت کیفری تفسیری به دست داد که باعث تباہ شدن نهاد کیفر شود. برای نمونه عذر «جهل به حکم»، نباید طوری تفسیر شود که مجازات را به کلی از دسترس خارج نماید. به همین دلیل است که اصل «جهل به قانون مسموع نیست»، همچون یک فرض قانونی در حقوق جزای عرفی پذیرفته شده است. البته فرض قانونی علم

۱. به نقل از نوربهار، خدایار، پیشین.

به قانون، تا جایی که امکان دستیابی به علم فراهم شده باشد و فرد قادر به کسب اطلاع از قانون باشد، فرض مناسبی است (میرسعیدی، ۱۳۸۶: ج ۱، صص ۱۹۰-۱۸۷). بنابراین، در حقوق جزای عرفی، برای اینکه عذر جهل به حکم، نهاد کیفر را ضایع نکند، فرض قانونی «جهل به قانون مسموع نیست»، ایجاد شده است. در فقه کیفری اسلام نیز مسأله به همین ترتیب است. در روایتی از امام صادق (ع) آمده است: «اگر زن هنگامی که زنا کرد بگوید: نفهمیدم یا نمی‌دانستم آنچه کرده‌ام حرام است و حدّ بر او جاری نگردد، حدود الهی تعطیل می‌شود» (طباطبایی بروجردی، پیشین: ج ۳۰، ص ۷۱۰، ح ۱). بر پایه این روایت، از دیدگاه امام (ع)، «توجه به جهل همچون عنصری که مسئولیت کیفری را مخدوش می‌کند، نباید به گونه‌ای باشد که نتیجه آن نوعی الغاگرایی و بی‌کیفری باشد» (نوبهار، پیشین: ۱۳۱). در نوشته‌های فقیهان نیز این دغدغه به چشم می‌خورد که متون چنان تفسیر و تعبیر شوند که عملاً باعث از دست رفتن مجازات نشود. برای نمونه گفته می‌شود: اگر کسی مرتکب جرم شد و به حرم پناه برد، مجازات در حرم بر او اجراء نمی‌شود، بلکه بر او سخت‌گیری می‌کنند تا مجبور شود از حرم خارج گردد؛ سپس وی را مجازات می‌کنند. یکی از فقیهان در این باره می‌گوید این سخت‌گیری برای آن است تا حد تعطیل نشود (موسوی گلپایگانی، پیشین: ج ۱، ص ۳۹۲). بدین سان امن بودن حرم، حتی برای مجرمی که به آن پناهنده شده، نباید به گونه‌ای تفسیر شود که مجازات را ضایع کند.

عدم ملازمه اجرای حد با عدم تعطیل آن^۱: می‌توان تصوّر کرد که حد اجراء شود، اما اجرای آن مستلزم تعطیل حد هم باشد. اگر اجرای حدود به گونه‌ای باشد که نتواند اثرگذار باشد، با آنکه حد اجراء شده، تعطیل هم شده است. برخی فقیهان به این نکته تصریح نموده‌اند (نک: مؤمن قمی، ۱۴۲۲ هـ ق: ص ۳۲۷؛ موسوی گلپایگانی، ۱۴۱۲ هـ ق: ج ۱، ص ۳۸۷). در روایات هم چه بسا به این برداشت اشاره شده است. در روایتی از امیرالمؤمنین (ع) آمده است: «اگر در اجرای حد، اما و اگر راه پیدا کند، حد تعطیل می‌شود» (طباطبایی بروجردی، ۱۴۲۹ هـ ق: ج ۳۰، ص ۵۱۶، ح ۴۳). می‌توان این روایت را چنین تفسیر کرد که اجرای مجازات در فرض شک و شبهه مستلزم تعطیل و تضییع آن است. برابر این برداشت از حدیث می‌توان تصوّر کرد که حد اجراء شود، اما همزمان تعطیل شده باشد. به طور کلی اگر اهداف مورد انتظار از اجرای حد نادیده گرفته شوند، حد به

۱. به نقل از نوبهار، خدایار، پیشین

نوعی تعطیل شده است. به تعبیری دیگر پافشاری بی‌مورد بر اجرای حد در هر حال مصداق تعطیل حد است. از نقطه نظر تحلیلی یکی از نظریه‌های توجیه کیفر، نظریهٔ بازدارندگی است. این نظریه از نظریه‌های «نتیجه‌گرا» قلمداد می‌شود. در نظریه‌های نتیجه‌گرا، واکنش در مقابل جرم بر اساس نتایجی که از آن انتظار می‌رود، توجیه می‌شود (غلامی، ۱۳۹۵: ص ۱۲۷). بازدارندگی مجازات‌ها در گروه مؤلفهٔ شدت، فوریت و حتمیت آن‌هاست. سزار بکاریا ضمن تبیین سه مؤلفهٔ اساسی بازدارندگی مجازات‌ها، بر عناصر سرعت و حتمیت بیش از شدت مجازات تأکید می‌کند (بکاریا، ۱۳۸۹: صص ۸۶-۶۷). بر اساس مؤلفه‌های بازدارندگی هم می‌توان مواردی را شناسایی کرد که حد اجراء شود، اما تعطیل شده باشد. برخی از فقیهان نهی از تأخیر در اجرای حد را منصرف به مواردی می‌دانند که منجر به تعطیل حد گردد (نجفی، بی‌تا: ج ۴۱، ص ۳۹۵؛ فاضل موحدی لنگرانی، پیشین: ص ۲۷۸).

بنابراین، حدی که با تأخیر ناروا اجراء شود، با آنکه اجراء شده گویی تعطیل شده است. تأخیر ناروا در اجرای حد نیز بر اساس مؤلفه‌های بازدارندگی قابل تحلیل است. تأخیر ناروا در اجرای مجازات باعث از دست رفتن عنصر فوریت در اجرای مجازات می‌شود؛ با از دست رفتن عنصر فوریت، کیفر دیگر بازدارنده نخواهد بود. در این صورت کیفر با تأخیر انجام می‌گردد، اما چون به خاطر نداشتن فوریت ناکارآمد شده، مصداق تعطیلی حد است.

رویکردهای جرم‌شناسی اسلامی در باب پیشگیری از حدود و هجمه‌های

ابزاری حقوق بشری

رویکردهای جرم‌شناسی اسلامی در حوزه حدود و رویکرد جرم‌شناسی اسلام در پیشگیری غیر کیفری از جرم: اصولاً دین مبین اسلام، به پیشگیری، بیش از اصلاح، اهتمام دارد و به همین دلیل، قبل از هر چیز به عوامل بوجود آورنده و زمینه‌های گناه و جرم توجه کرده و برای مقابله آنها، با واقع بینی تمام، چاره اندیشی نموده است. شاید مهمترین و پربرترین بخش از تأکیدات اسلام، روی همین بعد باشد. اخلاق و فرهنگ عظیم دینی، به واقع، پشتوانه غنی و مطمئنی است که جامعه را از بسیاری از امراض و انحرافات فکری و علمی مصون می‌دارد. البته اگر علما، دانشمندان، نویسندگان، هنرمندان و... این سرمایه بی پایان را جدی گرفته و با استفاده از ابزارهای نوین تبلیغاتی مردم را دائماً متذکر باشند و هدایت نمایند (گرچی، ۱۳۷۲، ص ۱۹). «ریموندگن»، محقق هوشمند جرم

شناسی که حتی عقایدش را بعد از تحقیق روشمند و علمی، با احتیاط و وسواس بیان می‌کند، در این زمینه می‌نویسد: «سیستم‌های گوناگون کنترل غیرکیفری، نقشی متغیر اما مسلم در امر پیشگیری از تبهکاری و تکرار جرم دارند.» وی همچنین معتقد است: «سیاست نوین جنایی که متمرکز در پیشگیری‌های ثانویه است، به طور قطع، اثر بسیار محدود کننده‌ای بر روی تبهکاران دارد. (پیشین)

ترویج دستورات اخلاقی اسلام و بکارگیری توصیه‌های آن در عرصه‌های مختلف زندگی، همان چیزی است که «برانتتینگهام وفاست» (۱۹۷۶) از آن بعنوان پیشگیری اولیه یاد می‌کند (کراهام: ۱۱) و جالب است که «اشتاین متر» (۱۹۸۲) از اهمالی که در امر بازدارندگی عمومی و فردی ایجاد شده است، سخن می‌راند و اظهار تأسف می‌کند (نجمی، ۱۳۶۵، ص ۱۸). اهتمام به عبادات فردی و جمعی مانند نمازهای یومیه، روزه، حج، نماز جمعه، عزاداری در ماههای محرم و مراسم ویژه ماه رمضان، شرکت در مساجد و تکایا، زیارت مقابر قدسی ائمه اطهار (علیهم السلام) و بزرگان دین، از جمله مراسم مذهبی سنتی و تقریباً بی هزینه جامعه ماست که می‌توان در این راستا نهایت بهره معنوی را حاصل نمود.

نقش امر به معروف و نهی از منکر در پیشگیری از جرم: بزهکاری امری اجتناب ناپذیر است که در همه جوامع بشری وجود دارد، اما در جوامع مختلف با اشکال متفاوت ظاهر می‌شود. هیچ جامعه ای نیست مگر آنکه در آن جامعه، «جرم» یعنی عملی که احساسات قوی و مشخص وجدان گروهی را جریحه دار می‌سازد (بیکا، ۱۳۷۰: ص ۱۷) وجود دارد. جرم موجب ایجاد اختلال در نظم جامعه شده به همین دلیل واکنش جامعه را به دنبال دارد و این واکنش بیشتر در قالب کیفر که بهداشت اجتماعی است، ظاهر می‌شود، اما باید اذعان داشت که کیفرها برخلاف تصور دانشمندان حقوق جزای مکتب کلاسیک و قانونگذاران و عامه مردم، اکسیری نیست که منجر به درمان دردهای جامعه شده، بتواند عوامل مولد جرم را از میان بردارد لذا بهتر آن است که برای مبارزه با جرم نخست در تکاپوی حذف و پیشگیری غیرمستقیم محرکه‌های جنایی باشیم؛ به عبارتی قبل از وقوع به علاج واقعه بپردازیم. اینجاست که پیشگیری بر درمان مقدم گردیده و نهادهای پیشگیری کننده جایگاه رفیعی را در جامعه به خود اختصاص می‌دهند. یکی از این نهادها که ریشه در اعتقادات دینی مسلمانان دارد، نهاد امر به معروف و نهی از منکر است (ابن براج، ۱۴۰۶: ص ۱۲۹). معروف یعنی آنچه که مورد پسند عرف است و منکر یعنی آنچه که نزد عرف، ناپسند

است. در مفردات راغب در رابطه با تعریف معروف آمده است: «المعروف اسم لكل فعل يعرف بالعقل او الشرع حسنه» یعنی معروف اسمی است که برای هر عملی که خوبی آن از نظر عقل و یا شرع مسلم باشد، بکار می‌رود. و در منکر نیز آمده است: «والمنکر كل فعل تحکم العقول الصحیحه بقبحه» یعنی منکر هر فعلی است که عقل‌های صحیح به قبح آن حکم می‌کند.

پیشگیری از جرم از منظر مذاهب الهی و قرآن کریم: عمیق‌ترین سطح پیشگیری، باور داشتن آموزه‌هایی است که انسان را از لغزش و انحراف باز بدارد و همواره او را در مسیر تعالی و رشد نگهدارد. بدیهی است هرچه این باورها در عمق وجود انسان رسوخ کرده باشد، تأثیر آنها بر رفتار انسان بیشتر خواهد بود. اعتقاد به این آموزه‌ها نه تنها مانع از ارتکاب جرم به مفهوم حقوقی آن، که تجاوزی آشکار و قابل مجازات به حقوق انسانها است، می‌شود، بلکه انسان را از گرایش به هر نوع رفتاری که برخلاف شأن و منزلت انسانی او است و یا رفتاری که لغو و بیهوده می‌باشد حفظ می‌کند.^۱ علاوه بر این، باور داشتن این آموزه‌ها، انسان را در میدان تلاش و مسابقه به سوی نیکی‌ها و انجام اعمال و رفتار پسندیده وارد می‌کند^۲ و به مرحله‌ای از رشد و تعالی معنوی می‌رساند که هرگز میل و اراده‌ای به سوی باطل و فساد در او پدید نمی‌آید.^۳ این اعتقادات خود به چند دسته تقسیم می‌شوند و به مهم‌ترین آنها که بیشترین تأثیر را در پیشگیری از جرم دارند، اشاره می‌کنیم.

- اعتقاد به خداوند و الوهیت او: اعتقاد به خداوند بعنوان خالق و مالک جهان هستی بعنوان زیربنای تمامی اعتقادات دینی، نقش اساسی در نظام اعتقادی اسلام دارد به گونه‌ای که انکار خداوند موجب از بین رفتن هرگونه اعتقاد دینی می‌شود. انسان بعنوان بخشی از جهان هستی، آفریده خداوند و مسئول و متعهد در برابر او است. مهم‌ترین مسئولیت و تعهد انسان در برابر خداوند اطاعت و بندگی است که فلسفه آفرینش انسان و رمز سعادت او است.^۴ توحید در اطاعت و بندگی انسان را از بندگی غیر او آزاد می‌کند و

۱- سوره توبه - آیه ۳۱ و سوره اسراء - آیه ۲۳ و سوره آل عمران - آیه ۵۱

۲- سوره یس - آیه ۶۰ و سوره فرقان - آیه ۴۳ و سوره قصص آیه ۵۰

۳- سوره مومنون - آیه (۳-۱) و سوره فرقان آیه ۷۲

۴- سوره آل عمران - آیه ۱۱۴

اساسی‌ترین عامل انحراف از صراحت مستقیم را که تبعیت از شیطان و هوای نفس می‌باشد، از بین می‌برد.^۱

– اعتقاد به علم و آگاهی خداوند: یکی از مهمترین اعتقادات بازدارنده، اعتقاد به علم خداوند نسبت به همه موجودات و از جمله انسان و اعمال و رفتار او است. از دیدگاه قرآن، تمام موجودات در محضر خداوند هستند^۲ و هیچ چیزی از آنها بر خداوند پوشیده و پنهان نیست.^۳ انسان نیز بعنوان بخشی از عالم هستی، تحت احاطه علمی خداوند قرار دارد و نه تنها اعمال و رفتار ظاهری او، بلکه افکار و اندیشه‌ها و خطورات قلبی و آنچه را با خود حدیث نفس می‌کند. برای خداوند معلوم و مشهود است.^۴ از دیدگاه قرآن، رابطه تکوینی خداوند و انسان به گونه‌ای است که خداوند از رگ گردن به انسان نزدیک‌تر است^۵ و بلکه بین انسان و قلب او حائل است.^۶ اعتقاد به این آموزه‌ها موجب می‌شود که انسان همواره خود را تحت نظارت خداوند متعال بداند و نه تنها اعمال و رفتار ظاهری خود را کنترل نماید، بلکه درون خویش را نیز از هرگونه آلودگی و فکر و نیت ناپسند حفظ نماید و از آنجا که اعمال و رفتارشان، ظهور افکار و اندیشه‌های او است، طبیعی است که با کنترل و هدایت افکار و اندیشه‌های انسان، رفتار او نیز اصلاح خواهد شد و ریشه انحراف و کج رفتاری از بین خواهد رفت. اعتقاد به تأثیر اعمال و رفتار انسان بر سرنوشت او، یکی دیگر از آموزه‌های اعتقادی که می‌تواند تأثیر زیادی بر کنترل رفتار انسان داشته باشد، باور داشتن تأثیر عمل بر شخصیت و هویت انسان و در نتیجه سعادت یا شقاوت او است. هویت انسان تحت تأثیر دو عامل اساسی؛ یعنی عقیده و عمل قرار دارد. عقیده زیربنای عمل و عمل نیز مؤثر بر عقیده. این دو در تعامل با یکدیگر، هویت انسان را شکل می‌دهند. از دیدگاه قرآن، ایمان به تنهایی و بدون عمل صالح برای سعادت انسان کافی نیست؛ لذا همواره ایمان و عمل صالح باهم بعنوان رمز سعادت انسان بیان شده است. از طرف دیگر، عمل ناپسند و تخلف از اصول انسانی و اسلامی نه تنها موجب تضعیف اعتقادات صحیح انسان می‌شود، بلکه سرانجام غیرقابل تحملی را نیز، برای انسان رقم می‌زند و او را از رسیدن به سعادت باز می‌دارد.

۲- سوره مومنون - آیه ۶۱ و سوره قصص آیه ۸۳

۳- سوره فصلت - آیه ۵۳ و سوره نساء آیه ۳۳

۴- سوره آل عمران - آیه ۵.

۵- سوره انعام - آیه ۲۳۵

۶- سوره نحل - آیه ۱۹

۷- سوره انفال - آیه ۲۴

ارتکاب این اعمال. رفته رفته هویت انسان را به گونه‌ای تغییر می‌دهد که نه تنها از انجام اینگونه اعمال احساس ناراحتی نمی‌کند، بلکه رفتار خود را صحیح و پسندیده می‌داند و به انجام آنها مغرور و مسرور می‌شود (گلپایگانی، ۱۴۱۲ هـ.ق، ص ۱۶).

رویکردهای ابزاری و همجمله‌گونه حقوق بشری در باب حدود:

جهانی شدن و نسل‌های حقوق بشری: تحولات سریع جهان در عرصه فناوری سبب شد تا مفهوم زمان و مکان در عصر حاضر دستخوش تحول اساسی شود و همین تحول زاینده بسیاری از مفاهیم در علوم انسانی شده است. علاوه بر آن، علوم اجتماعی نیز رویکردهای جدیدی پیدا نموده است؛ به گونه‌ای که مفاهیم مشترک در اجتماعات و جوامع مختلف هر روز بیش از پیش رخ می‌نماید و بر همین مبنا ارزش‌ها و مبانی مشترک بیش از پیش شکل می‌گیرد و نقاط اشتراک بشریت به جهت تفوق آدمی بر زمان و مکان بیشتر می‌شود. یکی از این مفاهیم که در دهه‌های اخیر در سطح جهانی به نقطه تمرکز اجتماعات و نظام‌های اجتماعی سیاسی تبدیل شده مفهوم حقوق بشر است. در عصر ارتباطات گسترده و پیچیده که به تعبیر مک لوهان به دهکده جهانی دست یافته‌ایم و به زعم بسیاری از نظریه پردازان مقوله‌ی «جهانی شدن» محقق شده است. سر فصل‌هایی در سطح نظام اجتماعی داخلی و بین‌المللی از اهمیت و جایگاه ویژه‌ای برخوردار شده‌اند یکی از این سرفصل‌ها اهمیت و نیز حمایت جهانی از حقوق بشر است. «به گونه‌ای که در حال حاضر نزدیکی و دوری به معیارهای حقوق بشر بر حیثیت، اعتبار و پرستیژ واحدهای سیاسی نظام بین‌الملل اثر مستقیم دارد.» (ذاکریان، ۱۳۸۱: ص ۵)

حقوق بشر یک مفهوم گسترده است که گاه به یک اشتراک لفظی تبدیل می‌شود و هریک از محیط‌های اجتماعی و یا واحدهای سیاسی برداشت و تعبیر خود را از آن ارائه می‌کنند. بررسی موضوع حقوق بشر این واقعیت را آشکار می‌سازد که اجتماعات انسانی و نظام‌های سیاسی در ابعاد و کیفیت حقوق بشر دارای نقاط اشتراک و نقاط افتراق هستند. مروری بر ادبیات حقوق بشر ما را به این نتیجه می‌رساند که: امروزه حقوق بشر جایگاه ویژه‌ای یافته است و به عنوان یکی از مفاهیم اساسی در سطح نظریه‌پردازی مورد توجه قرار گرفته و نیز در مرحله اجرا و عمل اجتماعی و سیاسی از جایگاه و موضوعیت برخوردار شده است. رویکردهای غرب ایدئولوژیک و دیدگاه‌های اسلامی در این زمینه دارای اشتراکات و

افتراقات می‌باشد که تبیین این اشتراکات و افتراقات می‌تواند تفاهم فرهنگی اجتماعی و سیاسی این دو قطب فعال در عرصه نظریه پردازی و اجتماع سازی را پدید آورد. حقوق بشر را به اشکال مختلفی تقسیم‌بندی کرده‌اند. نگرش نسلی به حقوق یکی از این تقسیم بندی‌های است. نکته‌ای که در قالب تقسیم‌بندی حقوق بشر مطرح می‌شود این است که حقوق بشر را می‌توان به سه نسل تقسیم کرد، که هر نسل اگر چه با نسل بعدی مرتبط است، اما مبانی خاص خود را دارد. «استعمال مفهوم نسل نسبت به حقوق بشر بدین مفهوم است که یک نسل کنار می‌ورد و یا یک نسل جایگزین می‌شود درحالی که برخی خصوصیات نسل‌های قبلی را حفظ می‌کند.» (وکیل، ۱۳۸۳، ص ۲۸) بر این اساس، سه نسل حقوق بشر عبارتند از: نسل اول؛ نسل دوم؛ نسل سوم و... است.

همجه های حقوق بشری و موانع اجرای حدود اسلامی: در نگاه اول به یک تعارض در منش حقوق می‌پردازیم: از دیدگاه اسلام خاستگاه حقوق بشر حدود الهی بر اساس حقی است که خداوند در مالکیت انسان دارد، در این میان آنچه مورد بحث است، منشأ پیدایش این حق است و تفاوت آشکاری در این موضوع میان حقوق بشر اسلامی و حقوق بشر غربی^۱ وجود دارد چرا که تعریف انسان در تفکر مادی و تفکر اسلامی متفاوت است. انسان آفریده خدا است و صاحب کرامت، اختیار و قدرت که تأمل در باب او طریقی است تا بتوانیم به طور صحیح مراتب کمال وی را شناخته و نیازهای او را شناسایی کنیم. برای شناخت انسان به منابع شناخت نیاز داریم که در اسلام قرآن، اهل بیت (ع) و سنت به عنوان منابع این شناخت معرفی شده‌اند که از این منابع می‌توان برای تبیین حقوق بشر استفاده کرد. خاستگاه حق در تفکر غربی در دو دیدگاه حقوق طبیعی و حقوق پوزیتیویستی خلاصه می‌شود، در حقوق طبیعی خاستگاه حقوق بشر طبیعت است و طبیعت به انسان حق می‌دهد که از حیات، حق تکثیر نفس و مانند اینها برخوردار باشد.

۱. در این اعلامیه آمده است که کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی، بر نقش تمدنی و تاریخی امت اسلامی که خداوند آن را بهترین امت برگزید تا این امت یک تمدن جهانی همگون را به بشریت تقدیم نماید، تأکید دارد و لذا از چنین امتی امروزه انتظار می‌رود که به هدایت بشریت گمراه در امواج و مسلک‌هایی که در حال رقابت متضاد هستند اقدام نماید و راه حل‌هایی برای مشکلات مزمن تمدن مادی ارائه دهد و سهم خود را در تلاش‌های بشری که مربوط به حقوق بشر است ایفا کند؛ حقوقی که هدفش حمایت بشر در مقابل بهره کشی و ظلم است و تأکید بر آزادی و حقوق او در حیات شرافتمندانه‌ای دارد که با شریعت اسلامی هماهنگ است.

هرچند اصطلاح حقوق بشر پس از جنگ جهانی دوم و تأسیس سازمان ملل متحد در سال ۱۹۴۵ وارد گفت‌وگوهای روزمره شد، اما این واژه جایگزین اصطلاح «حقوق طبیعی» و «حقوق انسان» شده که قدمتی دیرینه دارند. حقوق بشر از جمله مفاهیمی است که تعاریف متعددی از آن ارائه شده است. حقوق بشر به فرانسوی *Droits Lhomme* و به انگلیسی *Human Rights* و به عربی حقوق الانسان نامیده می‌شود. حقوق بشر مجموعه حقوقی است که به ساکنان یک کشور، اعم از بیگانه و تبعه در مقابل دولت داده شود، که شامل پاره‌ای از حقوق مدنی و سیاسی مثل آزادی و برابری و مساوات و مقاومت در برابر تجاوز و تعدی و مصونیت جان و مال و خانه جزء آن است. در مسئله حقوق بشر امر تابعیت، مذهب، نژاد و یا جنس نباید دخالت داده شود، زیرا این حداقل حقوقی است که انسان در هر جا که هست باید از آن برخوردار باشد. کمیت حقوق بشر بستگی به طرز فکر اکثریت یک ملت و تمدن و فرهنگ و سوابق تاریخی آن و مسائل دیگر دارد. اگر مراد از طبیعت امری ممتاز و مستقل از موجودات جهان باشد، این امر خلاف واقعیت است زیرا جدا از موجودات جهان چیزی به نام طبیعت که بخواهد حقی را به انسان بدهد و یا از او سلب کند نداریم، اما اگر منظور از طبیعت ماهیت انسان باشد، یعنی همان چیزی که دوام و بقای انسان به آن وابسته است، می‌پذیریم که این حقوق وجود دارد اما در این میان سؤال پیش می‌آید که حد این حقوق چیست و آیا این حقوق بدون قید و شرط هستند یا مطلق. آیا حق حیات انسان در صورتی که حق حیات انسان‌های دیگر را سلب کرده باشد، محترم است و در آن صورت حق کسانی که این انسان جان آنها را گرفته چه خواهد شد. در زمینه ایرادات حقوق بشر پوزیتیویستی تصریح دارد حقوق پوزیتیویستی می‌گوید توافق مردم منشأ حقوق است و حق یک امر نسبی است که در هر جامعه با جامعه دیگر متفاوت است. گر ما این را بپذیریم نتیجه این می‌شود که نمی‌توانیم از یک نظام حقوقی ثابت و جهانی حرف بزنیم در حالی که حقوق می‌تواند و باید بر پایه نظام‌های هستی‌شناسانه ثابت و استوار باشد. از منظر هستی‌شناسی حق خدا بر انسان به عنوان منشأ تمام انواع حق از جمله حقوق بشر مطرح است. از منظر اسلام تا حقی را خدا به انسان واگذار نکرده باشد، هیچ حقی وجود ندارد و در واقع بالاترین حقوق، حق خدای متعال بر انسان است که اصل و منشأ حقوق محسوب شده و دیگر حقوق از آن نشأت می‌گیرد. انتقاداتی که به اعلامیه جهانی حقوق بشر وارد است، اظهار کرد: ماده یک لایحه حقوق بشر می‌گوید تمام افراد بشر آزاد به دنیا آمده و باید با یکدیگر با حقوق برابر رفتار کنند اما در این اصل مبنای داشتن

یک خالق یکسان مورد توجه واقع نشده و اصول لازم برای الزام انسان‌ها به رعایت این حدود نیز در این لایحه قید نشده است.^۱

پس از بررسی این تعارض آشکار چنین می‌باید گفت: اینکه گاهی حدود الهی به خاطر فشار کشورهای مختلف و یا برخی سازمان‌های بین‌المللی به تعطیلی کشانده می‌شود، ما نباید به خاطر هجمه رسانه‌ای دشمن دست از حدود الهی برداریم، زیرا با این که بسیاری از احکام جزایی به جزای نقدی و مواردی از این دست تغییر کرده است، باز هم هجمه رسانه‌ای دشمن ادامه دارد معنایی ندارد که یک فرد چندین مرتبه مرتکب دزدی و یا سایر جرائم شده و توسط دستگاه قضایی دستگیر شود، اما باز پس از آزادی بار دیگر همین جرم خود را مرتکب شود؛ اگر قاطعیت در اجرای حدود اسلامی وجود داشته باشد، جنبه بازدارندگی احکام تقویت خواهد شد. اجرای مجازات در مکاتب حقوقی به عنوان ضمانت اجرای قوانین به رسمیت شناخته شده است. حد یکی از مجازاتی است که در قوانین کیفری نظام اسلامی از اهمیت فراوانی برخوردار است.^۲

در جهان امروز ارزش‌ها، فرهنگ، تمدن اسلامی، حقوق مسلمین در همه جای دنیا به گونه‌ای مورد تهاجم قرار گرفته که همه این تهاجمات جنبه سیاسی و منافع اقتصادی دارد، و به خصوص تمدن سلطه‌گری که در تلاش است تا دیگر تمدن‌ها به ویژه جوامع اسلامی را

۱. مصاحبه مهدی، امیدی (۱۳۹۱)؛ حدود الهی خاستگاه حقوق بشر است؛ رئیس وقت پژوهشکده انقلاب اسلامی پژوهشگاه المصطفی منتشر شده در سایت ذیل: <http://fna.ir/>

۲. امروزه موضوع حقوق بشر ابزاری در دست قدرت‌های بزرگ و ابزاری آن برای سرکوب و به انقیاد درآوردن کشورهای مستقل و غیر همسو با آنها بدل شده است. آن هم نه حقوق بشر برگرفته از اصول و ارزش‌های مادی و معنوی انسان بلکه مباحثی که اصول آن نشأت یافته از تراوشات اذهان مادی بشر است. جالب اینکه مدعیان دفاع از حقوق بشر که خود ناقض اول حقوق بشر در دنیا هستند، ملل مسلمان را در حالی به نقض همین تراوشات عقل بشری متهم می‌کنند که اسلام بزرگترین منادی حقوق اولیه و مسلم بشر است، و امت اسلامی در این خصوص از احکام نورانی دین مبین اسلام پیروی می‌کنند. درهرحال، با توجه به نادیده گرفته شدن ابعاد معنوی و پرداختن صرف به جنبه‌های مادی و طبیعی حیات بشری در مسئله بنیادینی مانند حقوق بشر در اعلامیه جهانی حقوق بشر، کشورهای اسلامی را بر آن داشت در چارچوب سازمان کنفرانس اسلامی قوانین و مقرراتی را برای جنبه حقوق بشری بر اساس شریعت اسلام تدوین و تصویب کنند. از این رو، سازمان کنفرانس اسلامی در سال ۱۹۹۰ (۱۳۶۹ شمسی) در نشست قاهره اعلامیه اسلامی حقوق بشر را در سطح دولت‌های اسلامی به تصویب رساند. سازمان کنفرانس اسلامی نیز در سال ۱۳۸۷ به پیشنهاد جمهوری اسلامی ایران، سالروز تصویب اعلامیه اسلامی حقوق بشر، یعنی ۵ اوت هر سال (۱۴ مرداد) را به عنوان روز "حقوق بشر اسلامی و کرامت انسانی" تصویب کرد. بر اساس این قطعنامه، قرار شد که کشورهای اسلامی هر سال این روز را در سطح ملی خود، گرامی دارند.

۳. قدیری ابیانه (۱۳۹۹) مندرج در به آدرس ذیل: <http://ghadiri.ir/post/> ۶۹۸۸

به زیر یوغ و سلطه و نفوذ خود در آورد. استفاده از شیوه‌هایی همچون دفاع از حقوق بشر به ابزاری در دست سلطه گران برای سرکوب و به انقیاد کشاندن سایر ملل به زیر نفوذ تبدیل شده است. این درحالی است که وضع کنندگان اعلامیه جهانی حقوق بشر خود افرادی هستند که تاریخ نشان داده نه تنها حقوق بشر را محترم نمی‌شمردند، بلکه از نخستین نقض کنندگان آن نیز هستند و هرگاه بخواهند و منافعشان ایجاب کند از آن به عنوان سلاحی که دارای ظاهری قانونی است علیه دیگران مخصوصاً کشورهای اسلامی استفاده می‌کنند. موارد آشکار سوءاستفاده از حقوق بشر توسط غرب را امروز در مواجهه با کشورهای اسلامی کشور اسلامی شاهد هستیم^۱. متأسفانه امروز نقض حقوق بشر در کشورهای اسلامی حتی با همان معیارهای اعلامیه حقوق بشر اسلامی قوانین اساسی حاکم بر کشورشان به وقوع می‌پیوندد. هم اکنون به ویژه در برخی کشورهای عربی اسلامی شاهد سرکوب شدید اعتراضات مردمی، شکنجه و آزار و زندانی شدن و قتل و کشتار شهروندان توسط حکامشان هستیم. گرچه غرب و مستکبران به علت دشمنی دیرین‌های که با اسلام و مسلمانان دارند آتش بیار معرکه‌اعتراضات مسالمت آمیز داخلی شهروندان این کشورها هستند، حال سؤال این است، وظیفه کشورهای عضو کنفرانس اسلامیدر قبال این خونریزی‌ها و فجایعی که دامن گیر مسلمانان است چیست؟ اعلامیه اسلامی حقوق بشر مسلمانان کی به داد مظلومان می‌رسد؟ کشورهای اسلامی و اعلامیه حقوق بشر اسلامی در قبال کشتار مسلمانان به دست گروه‌های تکفیری و داعش چه وظیفه‌ای دارند و چه اقداماتی را انجام داده و یا در برنامه انجام دارند؟ (پیشین) مبانی اجرای مجازات و مجازات حدود در قوانین فقه اسلامی مجازات را نوعی تأدیب و اصلاح مجرم می‌دانند که در آن به کرامت انسانی و اصل آزادی و عدالت توجه ویژه‌ای نموده است و نه صرفاً انتقام‌جویی از مجرم. پس اسلام به عنوان آیین فطرت در اجرای حدود اسلامی برخلاف ادعاهای سایر نظام‌های حقوقی عملاً از حقوق بشر دفاع نموده و موجبات دوام آن را فراهم می‌کند اینجا به بررسی اجرای حدود از دیدگاه اسلام و تناسب آن را با حقوق بشر و قوانین بین‌المللی پرداخته شده است^۲. (ادب

۱. مقاله تحلیلی رضانی پور، حسین (۱۳۹۵)؛ حقوق بشر اسلامی و تفاوت آن با حقوق بشر غربی؛ پژوهش

سیاسی روز حقوق بشر اسلامی، دسترسی به اصل مطالب در: <https://www.iribnews.ir/> CYiđ

۲. از دیدگاه اسلام، انسان ذاتاً دارای کرامت است؛ کرامتی که منسوب به خداوند است: «وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ» (اسراء: ۷۰)؛ انسان دارای روح الهی و مسجود ملائکه (حجر: ۲۹) و خلیفه خدا در زمین است. (بقره: ۲۰) کرامت ذاتی - انسانی، کرامتی است که در متن تکوین و آفرینش انسان مطرح است. ستایش انسان به دلیل داشتن این وصف، در واقع مدح پروردگار کریم است؛ چون خداوند انسان را ذاتاً و فی‌نفسه بر سایر موجودات ظاهری و باطنی، برتری و فضیلت

زاده، دیگران، ۱۳۹۸، ص ۳۷) البته این همان سوالاتی است که با پیروزی انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۳۵۷ در شکل گرفت با پیروزی انقلاب اسلامی در ایران و تجدید حیات احکام اسلامی، قوانین کیفری آن نیز در جامعه مطرح گردید. طبیعتاً پرسش‌های زیادی در این زمینه فراروی حقوقدانان و فقیهان قرار گرفت. آنچه از لحاظ عینی و نظری جلب توجه بیشتر می‌نماید، سؤال از تأثیر زمان و مکان در قوانین جزایی اسلام است که آیا قوانین جزایی اسلام با مقتضیات زمان و مکان مطابقت دارد یا نه؟ آیا زمان و مکان در تعطیل، کم و زیاد شدن حدود نقش دارند؟ نقش زمان و مکان در اجرای تعزیرات چگونه است؟ آیا زمان و مکان در تبدیل کیفر یا نحوه اجرای آن در چارچوب مقررات شرعی تأثیر دارد یا خیر؟ که باید در قالب تحقیقات علمی مستقل برای این سؤالات پاسخ قانع کننده علمی مطابق با موازین قابل قبول ارائه گردد!

نتیجه گیری

تحقیق حاضر، همانطوری که از عنوان آن پیداست، بحث تعطیلی یا تعدیل یا اجرای کامل حدود اسلامی را با رویکردی جرم شناسانه در عصر معاصر که عصر غیبت امام معصوم (ع) است مورد بررسی قرار می‌دهد و سعی دارد تا پاسخی به اختلاف نظرها بیابد. همانطوری که در این اختلاف نظرها پیداست، هر کدام از فقها و صاحب نظران با توسل به برخی روایات و آیات سعی داشته‌اند تا نظریاتی را در مورد بحث حدود ارائه نمایند که با بررسی هر کدام از آنها متوجه می‌شویم که می‌توان این نظریات را پذیرفت. اما خلأی که در بحث‌ها و بررسی‌های این نظریات مشاهده می‌شود این است که آنها از باب اهمیت جرم شناسانه‌ی جرائم و مجازات‌ها وارد نشده‌اند که خود این عامل باعث می‌شود که با شناخت انواع جرم و اهمیتی که بحث پیشگیری از جرائم و مجازات‌های متناسب با آنها دارد، با

داده است. این صفت مربوط به مقام انسانیت است. انسان، مادام که با اراده خود از طریق ارتکاب جنایت و خیانت بر خویشتن و دیگران آن را از خود سلب نکند، شایسته تکریم است: «ما آدمیزادگان را گرامی داشتیم.» (اسراء: ۷۰)
 ۱. در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ از مجازات‌های حدی تنها به دوازده مورد اشاره شده و البته به موجب ماده ۲۲۰ ق.م.ا در مورد سایر حدود به منابع و فتاوی معتبر ارجاع داده شده است؛ بنابراین برای بررسی حدودی که مشمول ماده ۲۲۰ ق.م.ا می‌شود باید به منابع فقهی مراجعه نمود. با بررسی کلام فقها روشن می‌گردد که مجازات برخی جرائم همچون ارتداد، ادعای نبوت و سحر مطابق دیدگاه مشهور فقها مجازات حدی است و این موارد مشمول ماده ۲۲۰ ق.م.ا است. صادقی، علی، ۱۳۹۴، بررسی فقهی حدود مشمول ماده ۲۲۰ قانون مجازات اسلامی، <https://civilica.com/doc/1124685>

سهولت بیشتری به بحث اجرا یا تعطیلی حدود پرداخت. با بررسی جرم شناسی اسلامی و با بررسی بیشتر نظام جنایی اسلام در برخورد با مجرم و جرم و جنایت، می‌توانیم به حقایقی دست پیدا کنیم که این حقایق راه را برای آینده‌ای که در آن به جرائم به درستی رسیدگی می‌شود و این اختلاف نظرها پایان داده می‌شود، باز می‌کند. مقابله با جرم و جنایت و پیشگیری از آن از دیرباز مورد توجه حکومتها و ادیان مختلف بوده است. دین اسلام به عنوان کامل‌ترین دین و حکومت اسلامی به عنوان کامل‌ترین حکومت بر مبنای دین، از این قضیه مستثنا نیست. از زمان ظهور اسلام و پیامبری حضرت محمد (ص)، برای مبارزه با انواع جرائم و مجازات آنها، بحث حدود الهی مطرح شد و خداوند در قرآن کریم و وحی به وسیله پیامبر (ص) و پس از او به وسیله‌ی جانشینان معصومش، این حدود و مجازاتهای مربوط به آن را معرفی نموده است. هم‌چنین، اجرای این حدود و مجازاتها را از همان ابتدا، پیامبر (ص) و پس از او امامان معصوم (ع) بر عهده داشتند. پس از شهادت امامان معصوم (ع) و در نهایت غیبت آخرین امام معصوم (ع)، از آنجایی که طبق برخی روایات، اجرای حدود را مختص امام معصوم (ع) بیان کرده بود و از طرف دیگر، برخی روایات، آنرا قابل اجرا توسط حاکم شرعی می‌دانست، و از آنجایی که ترک این حدود در زمان غیبت امام معصوم (ع)، موجب افزایش جرم و جنایت در حکومت اسلامی می‌شد، بنابراین از همان زمان، اختلاف نظرهایی بر اینکه آیا در زمان غیبت امام معصوم (ع)، حدود الهی باید تعطیل شوند یا اجرا گردند، به وجود آمد و وفق این دو نوع روایت، یکی اجرا به دست فقط امام معصوم (ع) و دیگری اجرا توسط حاکم شرع، نظرات مختلفی در باب حدود مطرح گردید. گروهی که روایت اول را پذیرفتند قائل به این بودند که حدود الهی باید تنها به دست معصوم اجرا شود و اجرای حدود در زمان عدم حضور معصوم و به دست دیگری، دارای اشکال است و مجاز نیست. این گروه همچنین با عنایت به قواعدی مثل قاعده‌ی درأ، حدیث رفع، و سختی بحث حدود و اجرای آن، بر این عقیده هستند که اجرای حدود، تنها از معصوم برمی‌آید.

اما گروهی که روایت دوم را پذیرفتند، قائل به این بودند که حتی بدون حضور امام معصوم نیز، حاکم شرع می‌تواند تمام حدود را به شکل کامل اجرا نماید. آن‌ها با در نظر گرفتن بحث تعزیرات که بر عهده‌ی حاکم شرعی است، و با در نظر گرفتن روایت دوم که می‌فرماید که حاکم شرع منتصب از سوی امام معصوم (ع) می‌تواند حدود را اجرا نماید، بر این عقیده هستند که حدود نباید تعطیل شود و باید به طور کامل اجرا شود و عدم اجرای

آن، عدم عمل به فرامین الهی است. در علم جرم شناسی، به خصوص جرم شناسی اسلامی، که نظام جزایی اسلام را در تمامی ابعاد آن و در ارتباط با تمامی جوانب جامعه شناختی و زندگی اجتماعی مورد بررسی قرار می‌دهد، علت اصلی مجازات‌های تعیین شده برای جرم را بحث پیشگیری از جرم می‌داند و به نوعی حدود تعیین شده‌ی الهی را مانع از بروز جرم و جنایت در نظر می‌گیرد.

بنابراین با در نظر گرفتن مبانی جرم شناسی اسلامی می‌توان به این نتیجه رسید که اجرای حدود لازمه‌ی برقراری نظم در حکومت اسلامی و جلوگیری از بروز جرائم است و از طرف دیگر حدود الهی بر تخفیف و مسامحه پایه گذاری شده است و شارع مقدس بر پایه‌ی اصلاح فرد و جامعه و حاکمیت خیر و فضایل اخلاقی در جامعه، کیفی‌های حدی را وضع کرده است. با این اوصاف باید راه دیگری را در بحث حدود و تعزیرات پیش گرفت. راه و مجازاتی که نه سختی حدود را داشته باشد، و نه اینکه قانون را ناکارآمد و سهل انگارانه جلوه دهد و راه را برای افزایش جرم و جنایت باز کند. اینجاست که با بررسی مبانی و رویکردهای جرم شناسی اسلامی، می‌توان به این نکته پی برد که در باب مجازات مجرم، همچون بحث نظام جزایی اسلام، که هدف اصلی آن، موضوع اصلی جرم شناسی اسلامی است، باید تمامی جوانب را مورد بررسی قرار داد و به نوعی نگاه بینابینی یا تعدیلی نسبت به اجرای حدود داشت. با توجه به مبانی جرم شناسی اسلامی، اجرای حدود امری اجتناب ناپذیر و به صلاح جامعه است، ولی از طرفی با در نظر گرفتن شرایط جهانی، و با دید جهان بینی این رویکرد، نیاز است تا از برخی رویه‌ها در اجرای حدود چشم پوشی نمود و از روش‌های مجازات جایگزین استفاده کرد. از طرف دیگر، از آنجایی که بحث حدود، بحثی بر اساس فقه است، باید با در نظر گرفتن مجازات‌هایی بر اساس فقه، و از طرفی دیگر، دارای وجهی مناسب از نظر بحث‌های حقوق بشری، مجازات‌ها را انتخاب و اجرا نمود.

حال با توجه به مبانی ذکر شده، هدف اصلی تحقیق این است که در دوران معاصر با توجه به شرایط جهانی، رویکرد جرم شناسی اسلامی نسبت به بحث حدود و مجازات‌های اسلامی چیست و این مجازات‌ها و رویکردها چگونه می‌تواند جایگاهی در جامعه‌ی جهانی و بحث‌های حقوق بشری داشته باشد. اهمیت و ضرورت تحقیق امروزه با توجه به نظارت و فشارهای سازمان‌های حقوق بشری و جامعه‌ی جهانی، و حساسیت‌هایی که در مورد کشور ایران وجود دارد، و از آنجایی که کشور ایران نسبت به این فشارها واکنش‌های مناسبی

نشان داده است و گاهی عقب‌نشینی داشته است، و از آنجایی که اجرای حدود در زمان غیبت امام معصوم (ع)، دارای سختی فراوان است و حجم‌های زیادی بر آن وارد شده و می‌شود، و از نظر جامعه‌ی جهانی، بسیاری از حدود، وجهه‌ی مناسبی در چهره‌ی فعلی اسلام در جهان امروز ندارد و آنرا خشونت‌انگاری می‌کنند، و از آنجایی که به دلیل اهمیت موضوع مبارزه با جرم و جنایت، و پیشگیری از جرم که جزء مبانی اصلی جرم‌شناسی است، نمی‌توان اجرای حدود و مجازات‌ها را هر چند سخت، نادیده گرفت. در این تحقیق سعی شده است تا رابطه حقیقی بین علم جرم‌شناسی و آموزه‌های دین اسلام در معرض پیشگیری از جرم بررسی شود. باید توجه داشت که در اسلام:

اولاً دایره مشمول گناه وسیع‌تر از جرائم موضوع قوانین است لذا سیاست کیفری در این مورد همراه و توأم با پیشگیری است؛

ثانیاً کیفرهای دنیوی و اخروی حقوق جزای اسلامی نسبت، مجازات‌های سایر علل از قطبیت و حقیقت بیشتری برخوردار است؛

ثالثاً وجود و کیفر دنیوی و اخروی و جنبه پیشگیری برای مسلمان معتقد است. بنابراین با توجه به آموزه‌های دینی در خصوص پیشگیری از جرم از اهمیت بالایی برای نظام قضایی کشور ما که مبتنی بر احکام اسلامی است برخوردار می‌باشد بی تردید اقدام پیشگیرانه از وقوع جرم و بزهکاری و انحراف و گمراهی از اصول قضای اسلامی و سیاست جنایی اسلام محسوب می‌شود این اقدامات پیشگیرانه مجموعه‌ای از اقدامات و فعالیت‌های سازنده تربیتی، آموزشی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی را در بر می‌گیرد. واقعیت آن است که کار آمدی احکام اسلامی و قضایی اسلام در بستر مناسب و طبیعی خود جلوه گر می‌شود. در یک جمع بندی بخشی چنین تصریح می‌دارد: (نظام جزایی با اعلام کردن و نشان دادن اصیل‌ترین مصالح و ارزش‌های حاکم، حدود و ثغوری را که جامعه یا قدرت عمومی برای مجازات بزهکاران در نظر دارد، ترسیم می‌نماید و از طریق تحمیل مجازات، افراد را به احترام و رعایت قوانین جزایی وادار می‌نماید. در شریعت، پیامبران الهی به ویژه اسلام، اموری به عنوان ارکان تشکیل دهنده جامعه از اهمیت خاص برخوردار بوده و حفظ آنها لازم است از قبیل: «دین، نفس، مال، نسب و عقل»، یعنی در اسلام دین و باورهای صحیح، امنیت جانی و مالی، حفظ قداست خانواده و توان عقلی افراد

جامعه مورد عنایت قرار گرفته، لذا تجاوزات خطرناکی را که ممکن است به این مصالح بنیادین صدمه بزند، شناسایی و تحت عنوان حدود احکام آن را بیان نموده است. علامه مجلسی (ره) این ارکان بنیادین و راه‌های دفاع از آن را این گونه بیان می‌نماید: پنج چیز است که در شریعت همه پیامبران حفظ آنها لازم و قطعی بشمار می‌آید: دین، نفس، مال، نسب و عقل. حفظ دین، به اقامه عبادات، کشتن کافران و مرتدان و جاری نمودن حد بر کسانی که دین را سبک می‌شمارند است؛ حفظ نفس، به قصاص نمودن و دیه گرفتن است، حفظ نسب از یک سو به نکاح، منع از زنا، لواط و امثال آن بوده و از سوی دیگر به اجرای حدود می‌باشد؛ حفظ مال به اجرای عقود شرعیه و منع از غصب، سرقت و مجازات کردن مرتکبین آن است؛ حفظ عقل که موجب امتیاز انسان از حیوانات است به منع از آشامیدن شراب و دیگر چیزهای مست کننده و جاری کردن حد بر مرتکب آنها می‌باشد. مصالح مزبور که معروف به ضروریات خمس هستند، ارکان بنیادین یک جامعه را می‌سازد هر تجاوزی به آنها در واقع تجاوز به اصل جامعه است. به همین دلیل اسلام، از آنها دفاع می‌کند و سعی دارد تا حریم این مصالح از تجاوز مصون بماند، چرا که بقا و دوام جامعه در حمایت و دفاع از این ارکان است، هر گونه سهل انگاری در حفظ و حمایت از این مصالح به سقوط تدریجی جامعه خواهد انجامید. بنابراین مهم‌ترین فلسفه اجرای حدود، دفاع از مصالح بنیادین جامعه و پیشگیری از جرم است. به همین دلیل رسول اکرم (ص) فرمودند: «ظهر المؤمن حمی الله الا من حد»، مؤمن مورد حمایت خداوند است و کسی حق تعرض به او را ندارد، مگر آنگاه که مستحق مجازات گردد.» بنابراین اسلام تدابیری ویژه را چون ارائه جهان بینی توحیدی، تعلیم و تربیت، امر به معروف و نهی از منکر، انذار و تبشیر، را با توجه به مقام والای انسانی برای پیشگیری از جرم اندیشیده و سعی نموده بشر را به وظایف فردی و اجتماعی خود آشنا ساخته و از ارتکاب اعمال خلاف باز دارد، لذا در مواردی که این تدابیر مؤثر نباشد، مجازات دنیوی (حدود و تعزیرات) را وضع نموده است. گفتیم که روایات نهی از تعطیل حد به رد اندیشه‌های نافی کیفر نظر دارند. بر این اساس «به کار بستن مصلحت‌سنجی‌های حکیمانه و خیرخواهانه برای کارآمد ساختن مجازات‌ها در راستای اهدافی که برای آن تشریح شده‌اند، مصداق تعطیل حد نیست.» در نتیجه مجازات حد نوعی پیشگیری و تنبیه سازی برای افراد جهت عدم ارتکاب به جرم‌الخصوص جرائم حدی است.

فهرست منابع و مآخذ:

(الف): منابع فارسی:

- ادب زاده، معصومه و دیگران (۱۳۹۸)؛ اجرای حدود در اسلام و تناسب آن با حقوق بشر؛ مجله اخلاق زیستی، دوره نهم، شماره اول.
- بکاریا، سزار (۱۳۸۹). **جرائم و مجازات‌ها**، مترجم: محمدعلی اردبیلی، چاپ ششم، تهران، میزان.
- موسوی فرد، سیدمحمدرضا و طحان، مهدی، (۱۳۹۷)، رویکردهای پیشگیرانه جرم شناسی اسلامی، **چاپ شده در مقالات کنفرانس بین المللی مطالعات بین رشته‌ای در مدیریت و مهندسی**، تهران.
- نجفی، سینا (۱۳۹۸)؛ **پیشگیری از منظر جرم شناسی اسلامی**؛ چاپ اول، نشرانتشارات فرزندگان دانشگاه.
- نوبهار، رحیم (۱۳۸۳)؛ **جستاری در دلایل نقلی تقسیم بندی حد -تعزیر؛ فصلنامه تحقیقات حقوقی دانشگاه شهید بهشتی تهران**، دوره هفدهم، شماره شصت و ششم، شماره پیاپی شصت و ششم.
- نوبهار، رحیم. (۱۳۸۹). **اهداف مجازات‌ها در جرائم جنسی - چشم‌اندازی اسلامی**، چاپ اول، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی
- نوبهار، خدایار، حسین و رحیم (۱۳۹۷)؛ **بازخوانی تحلیلی - انتقادی مفهوم اقامه حد و تعطیل حد؛ فصلنامه پژوهش‌های حقوق کیفری**، دوره هفتم، شماره بیست و پنجم، زمستان.
- صادقی، علی (۱۳۹۴) **بررسی فقهی حدود مشمول ماده ۲۲۰ قانون مجازات اسلامی. دوفصلنامه فقه و اجتهاد**، دوره: دوم، شماره سوم. تابستان.
- شمس ناتری، محمد ابراهیم (۱۳۷۸)؛ **بررسی تطبیقی مجازات اعدام**؛ چاپ اول، حوزه علمیه قم، دفتر تبلیغات اسلامی، مرکز انتشارات، قم.

(ب): منابع عربی:

- عبدالقادر عوده، التشریح الجنائی الاسلامی مقارناً بالقانون الوضعی، قاهره: دارالتراث، [بی تا].
- باقر نجفی، محمدحسن بن (۱۹۸۱ م)، جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام، ج ۴۱، چاپ محمود قوچانی، بیروت.
- ابن عباد، اسماعیل. (۱۴۱۴ ه ق). المحيط فی اللغة، جلد اول، تحقیق: محمدحسن آل یاسین، چاپ اول، بیروت، عالم الکتب.
- مصطفوی، حسن. (۱۴۰۲ ه ق). التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، جلد ۲ و ۸، چاپ اول، تهران، مرکز الکتب للترجمه و النشر
- مؤمن قمی، محمد. (۱۴۲۲ ه ق). مبانی تحریر الوسیله / کتاب الحدود، چاپ اول، تهران، عروج.
- ابن فارس، احمد. (۱۴۰۴ ه ق). معجم مقاییس اللغة، جلد چهارم، تحقیق: عبدالسلام محمد هارون، چاپ اول، قم، مکتب الاعلام الاسلامی.
- ازهری، محمد بن احمد. (۱۴۲۱ ه ق). تهذیب اللغة، جلد نهم، چاپ اول، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- خوبی، ابوالقاسم (۱۴۲۸ ه ق)؛ معجم رجال الحدیث و تفصیل طبقات الرواه؛ بی جا، نشر توحید.
- طوسی، محمد ابن حسن (۱۳۶۵): «تهذیب الاحکام»، تهران، دارالکتب الاسلامیة، چاپ چهارم، منابع الکترونیکی.
- طوسی، محمد بن حسن (۱۳۸۷ ق)، المبسوط فی الفقه الامامیة، محقق: محمدباقر بهبودی، تهران، مکتبة المرتضویه.
- علامه حلی، حسن بن یوسف (۱۳۶۸ ش)، تبصره المتعلمین فی احکام دین، تهران، انتشارات فقیه.

- عوده، عبدالقادر (بی تا)؛ **التشريع الجنائي**؛ ترجمه حسین جعفری فرانی، جلد اول، انتشارات میزان، تهران.

- محقق حلی، جعفر بن حسن (۱۴۰۸ ق)، **شرائع الاسلام فی مسائل الحلال والحرام**، محقق: عبدالحسین بقال، قم، اسماعیلیان.

- نجفی، محمد حسن (۱۳۶۲ ق)، **جواهر الکلام**، محقق: ابراهیم سلطانی نسب، مجلد چهل و یکم، بیروت، دار الاحیاء التراث العربی.

- میرزای قمی، ابوالقاسم بن محمد (۱۳۷۱ ش)، **جامع الشتات فی اجوبه سؤالات**، محقق: مرتضی رضوی، تهران، کیهان، ایران.

- خمینی، سیدروح الله (۱۳۷۹ ش)؛ **تحریر الوسیله**؛ جلد اول، نشر انتشارات موسسه نشر آثار امام خمینی، تهران.



A comparative inquiry into realism or expediency about the punishment of limits From the perspective of Islamic humanities with emphasis on the teachings of Islamic criminology

Authors

**HADIS zolfaghari, hosein norozian, Mohammed Hussain Nasiri
Khalili, mohammad reza mousavifard**

Abstract:

The issue of closing or adjusting the limits or its full implementation in the contemporary period, which is the period of the absence of Imam Masoom (AS), is a debate that has been disputed by jurists for years, each of whom has tried to prove his views by referring to narrations and verses. In this criminal policy, the divine limits can be divided into two parts before proof and after proof. In such a way that the perpetrator can refer to the rightful owner and ask him to waive the punishment and reconcile with him. The result is the identification of the negative effect of criminal judgments issued by foreign courts and a fundamental guarantee for the observance of the rights of the accused and the convicted and an effective tool for moderating the behavior of governments in exercising sovereignty and punishment.

Keyword: Enforcement of boundaries, closure of boundaries, adjustment of boundaries, Islamic criminology, contemporary era